

جزوه کلاسی

نقد عرفان‌های کاذب

نام استاد: علی محمدی هوشیار

@AntiFerag

جامعه الزهرا(س) - دوره اصفهان - ۹۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع شناسی عرفان های کاذب

عرفان در لغت:

«عرفان» در لغت؛ به معنای «شناخت شیء، از روی تفکر و تدبیر در آثار آن شیء است».

عرفان در اصطلاح اسلامی:

عرفان را به شناخت ویژه ای از خداوند اطلاق کرده اند که در آن، حس و تجربه یا عقل و نقل راهی ندارد. بگونه ای که، این نوع از شناخت؛ از راه شهود درونی و دریافت باطنی حاصل می گردد.

ابعاد عرفان اسلامی

الف) بُعد عملی: سیر عوالم روحانی، که سالکان با اجرای برنامه های عملی و آداب و مراقبه های خاص، در خود پدید می آورند تا آنکه پس از طی منازل و مراحل ویژه، به محضر حق نایل شوند.

ب) بُعد نظری: ترجمه و تعبیر معارفی است که از شهود حقایق هستی در مرحله فنا و بقای بعد از فنا، به دست می آید.

معنویت:

معنویت سکولار: آرامش منقطع از وحی است.

معنویت اسلامی: آرامش متصل به وحی است.

جُنُبش:

جُنُبش؛ هرگونه کوشش جمعی برای پیش بُرد منافع مشترک، یا تأمین هدف اصلی از طریق عمل جمعی است .
به عبارتی دیگر؛ جُنُبش، شامل هر نوع حرکت اجتماعی است که با رویکرد و اهداف ویژه و متمایزی در عرصه عمومی ظهور و بروز پیدا می کند. منشأ این جُنُبش ها، حتماً دینی نبوده و ممکن است در مسائل سیاسی، اجتماعی و حتی اقتصادی انجام فعالیت کنند.

فِرْقَه:

در لغت:

مطلق دسته، گروه، جماعت و طایفه ای گفته می شود که از بقیه جدا شده باشند.

در اصطلاح:

کلمه فرقه، معنایی نزدیک به معنی لغوی دارد و به گروهی از مردم که اعتقاد واحدی غیر از اعتقاد دیگران را انتخاب و دنبال کنند، فرقه گفته می شود. فرقه ها همان شاخه های فرعی منشق شده از ادیان مختلف هستند.

مُدْرِنِیْتَه:

در لغت؛ به دوران نوین و مُدرن اطلاق می گردد و با واژه هایی چون تجدد، نو اندیشی، امروزی، ترجمه می شود.

در اصطلاح؛ مدرنیته؛ همان تخریب مداوم سنت هایی است که با سبک زندگی انسان همراه شده اند .

مدرنیته به یک دوره تاریخی بین سال های (۱۶۳۰) میلادی تا (۱۹۴۰) اطلاق می گردد.

فرآورده دوران مدرنیته:

۱. تاکید و تکیه بر عقل (عقل ابزاری).
۲. تغییر هویت علم از علم دینی به علوم تجربی.
۳. جدا کردن اخلاق از سبک زندگی انسان.
۴. تفکرات سکولاریزم.

پست مدرنیته:

پست مدرنیسم: «فرا تجددگرایی، فرانوگرایی و...»

پست مدرنیسم؛ دارای نظریه نظام مند، با فلسفه ای جامع و فراگیر نیست؛ بلکه یک پیکره پیچیده و در هم تنیده و متنوع از اندیشه ها، دریافتها، تشخیصها، شناختها، تفاسیر، تعابیر، برداشتها، آراء و نظریات متفاوتی از فرهنگ رایج و ترسیم نمایی از کثرت پدیده های مرتبط به هم می باشد.

در حقیقت، پست مدرنیسم آن سوی سکه پلورالیسم بوده و اساس تفکر پست مدرنیسم می باشد.

علل گرایش به شبه معنویت ها

۱. تشنگی روح انسان از معنویت، در عصر مدرنیته.
۲. نیاز انسان ها به پاسخ ها و آموزه های صریح.
۳. مطابق بودن آموزه های معنوی نوظهور با غریزه انسان.

۴. برداشت اشتباه از مذهب.

۵. تبلیغات گستره غرب جهت رسیدن به اهداف جامع.

مبانی معرفتی شبه معنویت های نوپدید

• عرفان های کاذب در دین شناسی نگاه پلورالیستی دارند:

به عنوان مثال در نظریات ساتیا سای بابا آمده است: « تنها یک نژاد وجود دارد، در نژاد بشریت تنها یک مذهب وجود دارد. مذهب عشق. تنها یک زبان وجود دارد، زبان دل. تنها یک خدا وجود دارد، که در همه جا حاضر است. من نیامده ام تا ایمان و اعتقاد کسی را از بین ببرم و آمده ام تا هر کس را در اعتقاد و ایمان خود راسخ تر سازم، تا یک مسیحی، مسیحی بهتر و یک مسلمان، مسلمانی بهتر و یک هندو، هندوی بهتری شود.»

پیامدهای اعتقاد به پلورالیسم دینی

الف) غیر ضروری بودن ارسال پیامبران و نزول کتب آسمانی از جانب خداوند و زیر سؤال رفتن «مراحل کمال انسان» نسبت به سطح آگاهی و تمدن بشری با بعثت انبیا.

ب) پایین آمدن مرتبه «وحی و دین» تا حد تجربه شخصی پیامبران، که البته با تجربه شخصی انسان های دیگر نیز می تواند کامل تر گردد.

• عرفان های کاذب در انسان شناسی نگاه اومانستی دارند:

اومانیسم اصطلاحی، اعتقاد به خداوند، همانند اعتقاد به خرافات بوده و هیچ جایگاهی ندارد. در حالی که تفکر اومانستی موجود در شبه معنویت ها، به اصل وجود خداوند به عنوان موجودی مقدس باور دارند.

«کرلیس لامنت» از سخن پردازان برجسته اومانیسم اصطلاحی، در کتاب فلسفه اومانیسم می نویسد:

«اومانیسم معتقد است که طبیعت، سراسر از حقیقت ساخته شده است و ماده و انرژی، اساس جهان است و ماوراء الطبیعه ای وجود ندارد. غیرواقعی بودن ماوراء الطبیعه به این معناست که اولاً در سطح بشری، انسان‌ها دارای روح غیرمادی و جاودان نیستند، و ثانیاً در سطح جهانی، عالم صاحب خدای غیرمادی و فناپذیر نیست.

• عرفان های کاذب در خداشناسی نگاه سکولاریستی دارند:

شبه معنویت های نوپدید، در بحث معرفت شناسی، ملزم به تفکرات سکولار می باشند.

برای تبیین واژه سکولاریسم، تعاریف و تعبیر متفاوتی همچون؛ «بشری، زمینی (غیر معنوی)، دنیوی، غیر مذهبی، این دنیایی، عرفی و این جهانی می باشد...» ذکر شده است، اما آنچه با نظام شبه معنوی سازگاری دارد، تعریفی است که در آن، سکولاریسم را نظامی تفرقه افکن بین دو جنبه روحانی و دنیوی معرفی می نماید.

• عرفان های کاذب در فرجام شناسی نگاه تناسخی دارند:

علی رغم این که عقل، لزوم اعتقاد به معاد و بازگشت به عالم دیگر را از حتمیّات و مفروضات قرار داده است، در طول تاریخ، انسان های فراوانی منکر معاد شده اند و زندگی پس از مرگ را بکلی منکر شده و یا در قالب تناسخ و تبدیل جسم مطرح کرده اند.

• عرفان های کاذب در راهنماشناسی نگاه کاریزماتیک دارند:

شبه معنویت های نوپدید، مدیریت کاریزماتیک را در جایگاهی پیامبرانه قرار داده و تمامی رؤسای خود را به عنوان منجی و رهیافتگان واقعی پذیرفته اند. این افراد با تأسیس فرقه ها و شبه معنویت ها، خود را برترین و جدیدترین راهنمای بشر معرفی کرده و آنان را از پیروی پیامبران برحق الهی برحذر می کنند.

بطور کلی، چهار نوع کاریزما وجود دارد:

۱- کاریزمای تمرکز»

۲- کاریزمای قدرت»

۳- کاریزمای رؤیابینی»

۴- کاریزمای مهربانی»

انحرافات مشترک در شبه معنویت های نوپدید

- تحریف مفهوم خدا.
- بالابردن درجه انسان تا حد خدایی.
- زندگی بی دغدغه و شاد بر اساس زیست حیوانی.
- اعتقاد به سانسورگر بودن عقل.
- عبور از شریعت؛ اشو: «این کلمه را به یاد داشته باشید؛ در شریعت شما بیچاره می مانید، چون در کنار یک پیکر بی جان قرار می گیرید»

- فاقد جهان بینی و ایدئولوژی؛ اشو: «من صاحب هیچ نظام فلسفی نیستم... من حتی نمی دانم که دیروز چه گفته ام. به این موضوع اصلاً فکر نمی کنم. من فقط پاسخگوی این لحظه ام. من پاسخگوی حرف های دیروز نیستم. برو از دیروزی پرس. قطعاً پیدایش نخواهی کرد. فردا نیز مرا نخواهی یافت. نه دیروز وجود دارد و نه فردایی تنها همین لحظه است که واقعیت دارد»
- لیبرالیسم جنسی.

آیین های باستانی (هندو)

هندوئیسم عنوانی است که در قرن نوزدهم (م)، به مجموعه ای از ادیان داده شد که در هند وجود داشتند.

از واژه هندو- به معنای «رود»

از یک میلیارد مردم هند، قریب هشتاد درصد مردم، خود را هندو می دانند.

باورهای کلی این آیین در موارد پنجگانه ذیل خلاصه می گردد:

- اعتقاد و احترام به کتاب های باستانی و سنت های دینی برهمنان.
- پرستش خدایانی که به ظهور آنها در دوره های قدیم عقیده دارند.
- اعتقاد به تناسخ.
- رعایت مقررات اجتماعی (کاست) در معاشرت و ازدواج.
- احترام و یا پرستش موجودات زنده، مخصوصاً گاو و ...

نظام طبقاتی کاست

- طبقه برهمنان (کشیشان و روحانیان).
- طبقه کشتیه ها (اشراف و بزرگان).
- طبقه ویسیه ها (کشاورزان و صنعت گران).
- طبقه شودره ها (خدمت گزاران). نجس یا پاریا (دراویدیان)

سیر مذهب در هندوستان

۱. مرحله ابتدایی یا دوره ماقبل تاریخ که اطلاعات زیادی از آن در دست نیست.
۲. دوره تمدن درّه سند (تمدن هاراپا-۳۳۰۰ سال ق م) که از این دوره نیز، چندان آگاهی درستی موجود نیست و فقط حفریاتی که در دره سند به عمل آمده می‌رساند که: این مردم، بت‌های بسیاری را پرستش می‌کردند و الهه‌ای که شاید (شیوا) بوده باشد، را می‌پرستیدند.

موهن جو دارو - ۲۵۰۰ ق م (نام پایتخت تمدن دره سند در پاکستان)

۳. دوره ودایی (ودیک) که از هنگام غلبه نژاد شمالی (آریائیها) در هند تا حدود (۸۰۰) سال قبل از میلاد در شمال شبه‌قاره هند شکل گرفت.

کتاب‌های مقدس ودا؛ کلمه ودا از ریشه وید یعنی دانستن مشتق شده است.

۱- ریگ ودا؛ کتاب نیایش‌ها.

۲- سامه ودا؛ کتاب سرودها.

۳- یجور ودا؛ کتاب نیایش کنندگان.

۴- آتروه ودا؛ کتاب اوراد ساحری.

۴. عصر برهمنی (از ۸۰۰ تا ۵۰۰ سال قبل از میلاد) که در این دوره تاسیسات مذهب هندو توسعه یافته است.

۵. عصر فلسفی که در حدود چهار قرن (از ۵۰۰ تا ۱۰۰ سال قبل از میلاد) طول کشید. در این دوره مذهب جین و بودا به وجود آمدند.

آیین جین

واژه جین به معنای «فتح کردن» می باشد. این کلمه، اشاره به جنگ درونی بر علیه نفسانیات، شهوات و حواس بدنی است.

جین ها پیروان «ورده مان گناتی پوتر» معروف به «مهاویرا» به معنای پهلوان بزرگ می باشند.

جینها معتقدند هر زمان که فساد و انحطاط و تباهی جهان را فراگیرد شخص کاملی که او را «تیرتنکرا» به معنای نوید دهنده، می نامند، ظهور می کند و تباهی را از بین می برد.

اعمال و اعتقادات جین

- پرهیز از قتل و آزار موجودات زنده.
- پرهیز از دروغ و هر قول و فعلی که موجب غضب یا حرص شود.
- اجتناب از هر چیزی که به انسان عطا نشده است.
- اجتناب از شهوت جنسی به طور مطلق.

• خودداری از هرگونه علاقه به اشیاء، اعم از جاندار و بیجان.

این آیین، (از این نظر که وجود خدای آفریننده را که ناظر بر اعمال و امور انسان ها باشد را نفی می کند)، دارای تفکرات مُلحدانه است، اما با این همه، الوهیت را داخل در آموزه های تیرتنکرا دانسته و بر آن تاکید دارد.

انحرافات جین:

(۱) اعتقاد به محبت به حیوانات و انجام خشونت نسبت به بدن انسان.

(۲) بی تفاوتی افراطی به دنیا، زیبایی و شادی انسان.

(۳) محکوم ساختن زن و خانواده.

(۴) بت پرستی و تعدد خدایان.

آیین بودا

آیین بودا، به وسیله شخصی بنام «گوتاما سیده ته» یا «گنومه سیدارته» بنیان گذاری شد.

در باره تاریخ زندگانی و مرگ وی اختلافات متعددی در میان بودائیان وجود دارد. برخی سال (۵۴۴ ق.م) و عده ای از بودائیان سال (۹۴۹ ق.م) را سال در گذشت او می دانند. گوتاما در «کیپله وستو» یعنی در نپال کنونی و در نزدیکی مرز هند به دنیا آمد. او فرزند اشراف زاده ای از خاندان ساکیه بود.

در سن بیست و نه سالگی، همسر و پسر خردسال و پدر پیرش را ترک کرده و به کیش مرتاضی گروید. در سن سی و پنج سالگی خود را «بودا» به معنای «اشراق یافته و بیدار شده» نامید و آیین بودا را بنا نهاده و تا سن هشتاد سالگی

یعنی تا پایان عمر خود، زندگی اش را صرف تربیت مریدان و شاگردان بی شماری کرد

قدیمی ترین کتاب مقدس بودا که به زبان «پالی» نوشته شده «تی پیتکه» یا سبد های سه گانه است.

«چهار حقیقت شریف بودا»

بودا در رابطه با انسان بر این باور است که، انسان اسیر نادانی است و نادانی به چهار گونه متجلی می گردد.

- ندانستن رنج (زندگی در این دنیا پر از رنج است).
- ندانستن مبدأ رنج (ریشه اصلی رنج در «تناسخ و تولد دوباره» است).
- ندانستن اینکه رنج باید خاموش شود. (می توان این رنج را پایان بخشید).
- ندانستن وسائلی که منجر به فرونشاندن این رنج می شوند. (راه های هشتگانه ای وجود دارد که به پایان این رنج می انجامد).

اصول هشتگانه بودا

- نگرش درست (فهمیدن چهار حقیقت شریف)
- تفکر درست (تنظیم افکار بر اساس: حس بخشندهگی و انکار نفس - حسن نیت خیرخواهی خود و دیگران)
- گفتار درست (اجتناب از هر گونه؛ دروغ، افتراء، ناسزاگویی)
- رفتار درست (اجتناب از قتل و دزدی)
- در پیش گرفتن راه درست
- تلاش درست (توقف افکار غیر اخلاقی - جلوگیری از ایجاد افکار غیر اخلاقی - تلاش برای پیشرفت افکار مثبت - تلاش برای نگهداشتن افکار مثبت)

• آگاهی و توجه درست (آگاهی به جسم خود- آگاهی نسبت به احساسات- آگاهی نسبت به افکاری که از

ذهن می گذرد- آگاهی نسبت به داما)

• تمرکز درست (از راه مدیتیشن)

هدف بودا

هدف اصلی بودا رسیدن به نیروانا است.

نیروانا معادل واژه بهشت در ادیان الهی است اما آنچه این دو را از هم متمایز می کند، مسئله اینجهانی بودن نیروانا و

آنجهانی بودن بهشت است.

نیروانا به لحاظ لغوی یعنی؛ «توفیق در برابر هیجان و خشم و نادانی، توفیق در برابر تلاش بیهوده برای اثبات خود و

بقای خود» می باشد.

پنج دستور معنوی بودا:

• نگرفتن جان از موجودات جاندار

• نگرفتن مالی که برای شما نیست

• پرهیز از سوء رفتار جنسی

• پرهیز از مصرف مشروباتی که عقل را زائل می کند.

انحرافات بودا

• الحاد و نفی خدا.

- بی‌اعتنایی به جایگاه زن و ارزش انسانی آن.
- اعتقاد به تناسخ.
- محصور دانستن انسان در حصار رنج و نادانی.
- تکریم و تعظیم بودا در مقام الوهیت.

۶. دوره احیای هندوئیسم و عقیده به پیدایش مظاهر الهی در بشر، تقریباً از (۱۰۰ تا ۵۰۰) سال بعد از میلاد ادامه یافت.

آیین تَنترَه

تنتره در لغت به معنای «تندیدن» و «رشته شدن» می‌باشد و در اصطلاح، به گروهی از متن‌های هندو و بودا و نیز به آموزه‌های رمزدار و باطنی اطلاق می‌گردد.

موضوع تنتره، توسل به خدایان، کسب نیروی جادو و یافتن روشن‌شدگی است. هدف این آیین، کشف راه تحول معنوی و یافتن آزادی است که از راه پرداختن به تن و جان و تحریک عواطف به دست می‌آید، نه با نفی آن‌ها.

تنتره از شاخه‌های مکاتب رازآلود هندی است که انسان را به استفاده از همه جنبه‌های وجودی خویش فرا می‌خواند.

آیین تنتریک مقام زن را از مرد بالاتر می‌داند. البته مراد آنان برتری اجتماعی نیست بلکه تنها حالت روحانی و سطح آگاهی بالاتری برای زن قائل است؛ زیرا:

بیداری نیروی روحی یعنی کندالینی در بدن زن زودتر پدیدار می شود.

وقتی که مرد به عمیق ترین لایه های ذهنی می رود و بر می گردد، قادر نیست تمامی تجارب خود را به یاد آورد.

در حالی که این اتفاق برای زن می افتد. یعنی زنان در یادآوری عمیق ترین لایه ها توانایی خاصی دارند.

حالات و تجارب بیرونی زن مانند علاقه به زیبایی و هم دردی بیشتر از مرد است. این نشان می دهد که بیداری و

آگاهی باطن او هم سطح بالاتری دارد.

زن همیشه انتقال دهنده اصلی انرژی است. اما مرد تنها یک رابط است. به تعبیری شکتی (زن) خالق و شیوا (مرد)

رابط است. لذا در هند در مراسم دینی معمولاً زنان فرمان می دهند.

آیین سیک

از نظر تاریخی، آیین سیک در میان ادیان زنده جهان از همه آنان متأخر است. معنای لغوی سیک «آموزنده، پیرو»

می باشد.

این آیین، از لحاظ تفکر الهی هیچ نکته برجسته ای در خود ندارد و تنها به عنوان کوششی آگاهانه در زمینه

هماهنگ کردن دین مبین اسلام و ادیان هندویی حرکت کرده است. این ترکیب و امتزاج در اثر تجربه دینی

شخصی به نام «نانک» به دست آمده است.

محل تولد نانک در حدود سی مایلی (چهل و پنج کیلومتری) جنوب غربی «لاهور» مرکز استان «پنجاب» در کنار

رودخانه «راوی»، قرار گرفته است. نام دهکده محل تولد او در ابتدا «تالواندی» نام داشت اما بعدها به افتخار این

فرزند برجسته به نام «نانک آرا» به معنای «محل نانک» نامیده شد.

پدرش یک هندوی طبقه دوم کاستی و در استخدام یک ارباب مسلمان بود. نانک پس از مطالعات و تحقیقات طاقت فرسا، در سن ۳۶ سالگی آیین سیک را برای همگان اعلام کرده و نام کتاب خود را «گرانت» به معنای کتاب بزرگ نامید.

خلاصه آنکه؛ این عقیده دیرین، بهترین مثال برای ترکیب و امتزاج ادیان و مذاهب جهان به شمار می رود.

۷. دوره نشر یا دخول اسلام در هند که در سده شانزدهم به تشکیل سلسله گورکانیان هند منجر شد.

۸. دوره دراویش یا طریقه بهاکتی، که از اواخر سده پانزدهم شروع شده و تا قرن نوزدهم ادامه داشت.

۹. دوره نفوذ اروپایی، که از هنگام ورود پرتغالی ها در سده پانزدهم میلادی شروع شده و با استقلال هند و پاکستان در سال (۱۹۴۷ م) پایان می یابد. در این دوره، مسیحیت به حد قابل توجهی در هند توسعه یافته و افکار جدید اروپایی از قبیل تفکرات سکولاریزم و مکتب کارل مارکس در هندوستان منتشر شد. وضعیت کنونی هند، نتیجه امواج متوالی این دوره است.

عرفان های کاذب(شرقی)

باکوان شری راجنیش اشو

از اشو قریب ۶۰۰ عنوان کتاب، ۷۰۰۰ ساعت نوار کاست و ۱۷۰۰ سخنرانی ویدئویی باقی مانده است. آثار اشو به اکثر زبان های زنده ی معاصر ترجمه و پیروانش در اقصی نقاط جهان امروز گسترده اند .

مجموع کتابهای ترجمه شده اوشو ۱۰۹ کتاب می باشد که از این تعداد ۶۵ کتاب چاپ شده و تعداد ۴۴ کتاب به صورت کپی و یا فایل وردی پخش می شود.

دوران تبلیغی اشو:

۱. از سال (۱۹۵۳ تا ۱۹۸۱): مسئله عشق و تناسخ.

۲. از سال (۱۹۸۱ تا ۱۹۸۶): معرفی خود.

۳. از سال (۱۹۸۶ تا ۱۹۹۰) تخریب ادیان و اعلام برتری خود.

دستگیری در ایالت ۱۹۸۵ در ایالت شارلوت و اخراج از آمریکا و درخواست اقامت در ۲۱ کشور در طول ۳ ماه.

دوران اول:

نظریه اول: (زندگی . عشق . خنده و رقص)

(عشق یعنی رها شدن از مرزها. مرزهایی که قلمرو شخصی تان را مشخص می کند).

(عشق تنهاترین هدف در زندگی است).

(عشق از کشش جنسی زاده می شود).

سخن آخر اشو: اگر از من پرسید، می گویم خدا را فراموش کنید . حقیقت را فراموش کنید. من به شما می گویم:

تنها به دنبال عشق باشید.

نظریه دوم: (تناسخ)

(هیچ کس تازه نیست. همه ما مسافرانی قدیمی هستیم. ما همیشه در جهان بوده ایم...)

(انسان گمان می کند خواهد مُرد...)

(... نه تولد آغاز این ماجراست، نه مرگ پایان آن.)

دوران دوم: (معرفی خود به عنوان: خالق اندیشه- مرشد- زوربای بودا و...)

سال ۱۹۸۱ جهت معالجه به آمریکا رفت.

تشکیل (کمون یا مجموعه مردمی). خرید اراضی ایالت اورگون.

دوران سوم:

(تخریب ادیان و اعلام برتری خود)

برگشت به هندوستان در سال ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۰

انحرافات اشو در دوران سوم:

۱- مخالفت با ازدواج و تشکیل خانواده.

۲- مخالفت با ادیان الهی

۳- مخالفت با عبادت خداوند.

۴- توهین به جایگاه روحانیت اسلام.

۵- شهوت رانی افراطی

عرفان های کاذب (شرقی)

دالایی لاما

نام: تنزین گیاتسو

مرتبه دالایی: ۱۴

محل تولد: استان «آمدو» در شمال شرقی تبت

سن دالایی: ۲ سالگی

محل زندگی: کاخ پوتلا

محل تدریس: دانشگاه موری آمریکا

سال بازگشت به هند: ۱۹۴۹

مدرک تحصیلی: بیش از ۵۰ دکترای افتخاری

جوایز: برنده جایزه نوبل در سال ۱۹۸۹

اندیشه های دالایی لاما

متغیر بودن حُسن و قُبْح

دالایی لاما معتقد است که هیچگاه ملاک خوبی ها و بدی ها نمی تواند ثابت بماند. ممکن است کاری امروز خوب و فردا بد باشد، نسبت به فردی بد و فردی دیگر خوب باشد. «نیک و بد از دیدگاه بودایی چیزهایی نسبی و وابسته به عواملی دیگرند. در شرایطی ویژه شاید چیزی خوب باشد، اما همان چیز در شرایطی دیگر می تواند بد بنماید. بنابراین هیچ خوبی و بدی مطلق یافت نمی شود. می بایست بنابر شرایط داوری کنیم».

اعتقاد به تناسخ

در یک تقسیم بندی کلی، تناسخ به دو بخش اصلی تقسیم می گردد:

الف). تناسخ مُلکی؛ روح انسان با رها کردن بدن مادی خود، به بدن مادی دیگری وارد شود. یا انتقال روح انسانی، که مبدأ پیدایش صورت یک انسان خاص، مثل «زید» بوده (پس از مردن زید)، به بدن انسان دیگری به عنوان مبدأ پیدایش آن انسان دوم.

ب). تناسخ ملکوتی؛ نفس با عقاید، اندیشه ها، نیت ها، گفتارها و کردارهای خود، بدنی مثالی (متناسب با عالم برزخ) و بدنی قیامتی (متناسب با عالم قیامت) ساخته، به صورت آن مجسم می شود. به بیان دیگر، انسان با عقاید و افعالی که در دنیا داشته است، برای خویش بدنی در برزخ و بدنی در قیامت می سازد که نفس او به آن تعلق می گیرد و پس

از رهایی و مفارقت از بدن مادی با آن بدن‌ها ترکیب می‌یابد. بنا به اعتقاد ما، تناسخ ملکوتی امری صحیح بوده؛ ولی تناسخ مُلکی باطل است.

«قانون کارما»

این قانون حاکی از آن است که نتیجه اعمال انسان محو نمی‌شود و هر فردی در دو مرحله با اثر کارمای خود مواجه خواهد شد:

در زندگی کنونی.

در زندگی مجدد در این جهان.

بدین ترتیب، پیروان تناسخ بر این باور هستند که هر کسی باید نتیجه اعمال خود را در زمان بازگشت به دنیا بیابد و راه مشاهده این نتیجه آن است که هر انسان خوبی، در وضعیت بهتری متولد شود و هر شخص بدی، در جسمی پست‌تر و حالتی بدتر تولد یابد تا در اثر رنج و سختی‌های بعدی، موفق به سوزاندن آن کارما (اثر منفی اعمال) گردد.

انواع تناسخ

الف. نسخ: ورود روح به یک بدن انسانی دیگر.

ب. مسخ: ورود روح به بدن یک حیوان.

ج. فسخ: ورود روح به بدن یک گیاه.

د. رسخ: ورود روح به یک جماد (مثلا یک سنگ)

انحرافات دلایلی لا ما

- ارتباط سرّی با صهیونیسم و آمریکا.
- اعتقاد شدید به پلورالیسم دینی.
- بیان شادی به عنوان هدف غایی انسان.
- همزاد دانستن انسان و رنج.
- بی ثباتی در هستی و اندیشه.
- متغیر بودن حسن و قبح.

عرفان های کاذب (شرقی)

سوامی ساتیا سای بابا

سال تولد: ۲۳ نوامبر (۱۹۲۶) در جنوب هند.

تعداد مریدان تا سال ۱۹۸۵: پنجاه میلیون نفر

در سن ۸۵ سالگی درگذشت.

در ۱۹۴۰ در ۱۴ سالگی، زندگی شخصی خویش را رها نموده، اعلام نمود که روح خداوند در جسم او حضور یافته

است، و در اصطلاح اعلام «آواتاری» کرد.

«من روحانی هیچ یک از ادیان نیستم. برای تبلیغ هیچ دینی نیز نیامده ام. من آمده ام که هندو، هندوی بهتری؛ مسلمان، مسلمان بهتری؛ و مسیحی، مسیحی بهتری باشد... تمامی ادیان به سوی یک هدف رهنمون می شوند و تمامی انسان ها برادران یکدیگرند... ادیان در اصل هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند».

سای بابا همواره به مریدانش می گفت:

خودتان را محصور من بدانید، به من مشغول باشید

جنون بابا را در زندگی تان خلق کنید، باور کنید که از این جنون شیرین تر نیست.

به عشق هم عادت کردیم، همه این سال ها، فرم های مختلفی از عشق را برای شما گرفتم

مثل کودکی پرورش تان دادم، مثل پدر و مادری عاشق، تا رشد کنید.

من فرم برادر و خواهرتان را به خود گرفتم....

من آمده ام تا سعادت بدهم، من آمده ام تا بیخشم.

هیچ منظور دیگری از موجودیت من نیست.

همه اضطراب و مشکلات خود را به من بسپارید، و از من آرامش بگیرید بیا و مرا پیدا کن، و خودت را پیدا کن.

از نزدیک به من نگاه کنید، به فراسوی فرم بدن و درون نگاه کنید.

ادعای قدرت

سای بابا در معرفی ذات اصلی خودش چنین گفته است که:

«قدرت من غیر قابل اندازه گیری است. تولد من غیر قابل توضیح و غیر قابل درک و پیمایش است. اصل سای و

الوهیت سای، هرگز تحت تأثیر بدگویی و افتراء، پیشرفتش متوقف نمی شود»

دلایل محبوبیت سای بابا

الف) سادگی بیان در گفته‌ها و نوشته‌ها.

ب) انجام کارهای خارق العاده و ساحری: «ریش پودر سفید رنگ از دست، درآوردن توپ طلایی کوچک از

دهان، درآوردن نوشت افزار از پاکت خالی و...».

آثار مکتوب سای بابا

- تعلیمات سای بابا (تعالیم معنوی ۶)،
- زندگی من پیام من، ترجمه پروین بیات؛
- سخنان سای بابا (تعالیم معنوی ۴)؛
- افکار الهی برای ۳۶۵ روز سال،
- درخت ارزشها را آبیاری کنیم،
- یوگای عاشقانه،
- عشق الهی را جلوه گر سازید،

اصول ادعایی سای بابا

- حقیقت
- پرهیزگاری
- صلح و آرامش
- عشق
- پرهیز از خشونت

انحرافات سای بابا

- تناسخ
- پلورالیسم دینی
- حلول خداوند در مخلوقات
- یوگا و مدیتیشن
- ادعای منجی گری
- شعبده و جادو
- سوء استفاده جنسی

عرفان های کاذب (شرقی)

یوگا

* نام مؤسس یوگا: پتنجلی (PATANGLI) (۲۰۰ بعد میلاد).

* مشهورترین طریق یوگا (یوگا سوترا).

* یوگا در لغت به معنای : کار و عمل معنوی و در اصطلاح: متوقف سازی ذهن.

رویکردهای نظری یوگا:

- آیینی: کارما یوگا
- نیایشی: بهاکتی یوگا
- فکری: گیانا یوگا
- خود شناسی: راجا

هدف یوگا: حذف مراتب ذهنی و نفسانی و عقلانی.

منشأ رنج در یوگا:

۱. معرفت خطا: پذیرفتن امور ناپایدار به تصور امور پایدار.
۲. دریافت کاذب: تصور اینکه؛ نفس همان، عقل و ذهن است.
۳. اشتیاق به لذت.

۴. نفرت و گریز از درد.

۵. ترس غریزی از مرگ.

هشت را نجات از رنج در یوگا

پنج اصل اول با عنوان «یاوران بیرونی یوگا» و سه اصل بعدی را با نام «یاوران درونی یوگا» می شناسند:

۱) یاما (yama) اصل خویشتن داری و پرهیزگاری: این اصل شامل موارد زیر است:

الف) پرهیز از هرگونه صدمه و آسیب رساندن به زندگی دیگر موجودات.

ب) صداقت و راستی در اندیشه و گفتار و اجتناب از نادرستی.

ج) دزدی نکردن.

د) مهار خواهش های نفسانی و امیال جسمانی.

ه) نپذیرفتن صدقه و هدیه های غیر لازم.

۲) نیاما (niyama) اصل پرورش و تربیت (انجام واجبات): این اصل به معنای آموختن و پرورش دادن عادت

های نیکو در خویشتن می باشد. که عبارتند از:

الف) طهارت و پاکسازی برونی و درونی.

ب) رضامندی به داده ها و عدم مقاومت و تلاش بیخود در برابر رویدادهای زندگی.

ج) زهد و سخت زیستی و آموزش تأدیب نفس از راه تحمل گرما و سرما و نظایر آنها و نیز با خود عهد بستن بر

انجام نذرهای طاقت فرسا و دشوار.

د) مطالعه منظم و مستمر کتاب ها و متن های دینی.

ه) مراقبه و تعمق (مدیتیشن) و تفکر درباره خداوند و تسلیم و خضوع در برابر او.

۳) آسانا (asana) اصل وضعیت و پرورش اندام (طرز نشستن): این اصل عبارتست از نظم و سامان دادن به

بدن به منظور پرورش اندامی نیرومند و خوش بنیه و خدمتگذار روح. برای یک یوگی، دستور بدن سازی

به اندازه اصل تمرکز ذهنی ضروری و واجب است.

۴) پرانا یا ما (pranayama) اصل کنترل و مهار تنفس: این اصل جهت نظم بخشیدن و قاعده مند کردن نفس کشیدن است.

۵) پراتی اهارا (pratyahara) اصل بازگرفتن و تعطیل حواس: این اصل عبارت است از بازداشتن و منصرف کردن حواس از ادراک اشیای مربوط به آنها و نگاه داشتن حواس در زیر کنترل ذهن. وقتی که ذهن به گونه ای مؤثر و کارساز، حواس را مهار کند، دیگر آنها به دنبال اشیایی که به طور طبیعی به آنها مربوط است نمی روند و فقط از ذهن فرمان می برند.

۶) دهارانا (dharana) اصل توجه: این اصل، متوجه کردن ذهن و نگاه داشتن ذهن بر روی یک شیء مشخص است. این شیء می تواند عضوی از اعضای بدن یا یک چیز غیر آن باشد.

۷) دهی انا (dhyana) اصل مراقبه: این اصل به معنای حالتی است که اندیشه انسان به صورت بی وقفه بر روی یک شیء سرازیر شود. به عبارت دیگر، تمرکز عمیق، ثابت و استوار بر روی شیء بدون اختلال و وقفه.

۸) سامادهای (Samadhi) اصل تمرکز (وصال- فنا): این اصل، گام نهایی در انجام یوگا به شمار می رود. در این مرحله، ذهن در انجذابی ژرف در شیء که بر آن متمرکز شده است، فرو می رود و به جایی می رسد که از خود بیخود شده و در آن شیء گم و محو می گردد، به نحوی که دیگر هیچ گونه آگاهی نسبت به خود ندارد.

○ چاکراها یا مراکز انرژی. (جایی که دو نادی اصلی یعنی آیدا و پینگالا به هم می رسند «چاکرا» نام دارد). چاکراها مرکز انرژی بدن هستند که از پائین به سمت بالا کشیده شده و هفت مرکز انرژی بدن را به وجود می آورند. که عبارتند از:

۱. (مولادهارا) - چاکرای پایه.
۲. (سواد هیستانا) - چاکرای خاجی.
۳. (مانی پورا) - شبکه خورشیدی.
۴. (آناهاتا) - چاکرای قلبی.
۵. (ویشودها) - چاکرای گردن.
۶. (اجنا) - چاکرای پیشانی، چاکرای فرمان، چشم سوم.

۷. (سahasara) - چاکرای تاج. «ساختار این چاکرا بالاترین کمال انسانی است، در اینجا انسان به بالاترین سطح هستی و اوج سفر معنوی می رسد. تمام مظاهر خلقت همانند بدن های ما می شوند و اگر این چاکرا باز شود، تمام انرژی های پایین و در نتیجه، تمام انرژی های انسانی به جریان می افتد. آگاهی انسان کاملاً باز شده و خود حقیقی و هستی کامل تجربه می شود».

انحرافات یوگا:

۱. یوگا عرفان و فلسفه نیست.

۲. حذف خدا از مسیر کمال

۳. دوری از تفکر

۴. سرکوبی غرائز

۵. انسان گرایی

۶. معرفی انسان در حصار رنج

۷. تناسخ.

یوگا مکتب عرفانی یا فلسفی نیست.

یوگا را نمی توان یک مکتب عرفانی یا مکتب فلسفی دانست. بلکه طریقی آزاد و مرتاضانه، جهت تقویت اراده، با هدف ناچیز کردن و عاجز نمودن جسم یوگی می باشد. چرا که عارف در بینش خود به شهود حقیقت نائل می شود و به مقام قرب الاهی و فنا در ذات خداوند می رسد و فیلسوف هم در بینش خویش فقط به «فهم جهان» و داشتن تصویری جامع و کامل از جهان در ذهن خویش می پردازد؛ به عبارت دیگر؛ در بینش عرفانی، سخن از سلوک و شهود یا «شدن»، و در بینش فلسفی سخن از «شناختن» و «فهمیدن» است.

در ناحیه روش ها هم، روش عرفانی، مبتنی بر تزکیه و تهذیب نفس و نورانیت باطنی و اشراق انوار الهی است، و روش فلسفی، بر عقل و استدلال و برهان تکیه دارد. لذا با توجه به این که، ابزار معرفتی عارف «قلب و دل» و ابزار

معرفتی فیلسوف «عقل و ذهن»^۱ است و در یوگا هیچ طریقی جهت رسیدن به این دو روش و دو ابزار نیست، نتیجه خواهیم گرفت که، یوگا بیشتر به یک مکتب «تن گرا»^۲ و ورزشی با تمایلات روانشناسانه می ماند تا به یک مکتب عرفانی یا فلسفی.

عرفان های کاذب (غربی)

آیین انکار

هدف اصلی انکار؛

^۱ یوگا معتقد است که باید جهت رسیدن به آزادی و اهداف یوگا، کار ویژه های بدن، حواس، ذهن و عقل و همچنین نفس، محدود و سرکوب گردیده و نادیده انگاشته شود. ، ر. ک. معرفی مکتب های فلسفی هند، ساتیش چاندر، دریندراموهان داتا، ناظر زاده، ص ۵۴۸-۵۴۹.

^۲ تمامی مبانی نظری و عملی یوگا، حول محور تن و بدن انسان می باشد. که بیشتر آنهم، در قالب تمرینات ورزشی نمود یافته است.

قادر ساختن روح بر ترک کالبد، سفر به دنیای معنوی و رسیدن به هدف غایی آنامی لوک است.

پیروان این آیین معتقدند؛ اکنکار از روز ازل وجود داشته و مطرح بوده است و دیگر ادیان در دورانه‌های بعد پایه گذاری شده اند.

«پال توئیچل» رهبر اکنکار؛

بنیانگذار اکنکار؛ در بین سال های (۱۹۰۸ تا ۱۹۲۲) در شهر پادوکاه، ایالت کنتاکی آمریکا متولد شد.

در (۱۷ سپتامبر) سال (۱۹۷۱) در اثر یک حمله قلبی از دنیا رفت.

جانشین اول پال توئیچل:

توئیچل که نام جانشین خود را نگفته بود، در نهایت همسرش گیل، «داروین گراس» را انتخاب کرد. بنا به گفته گیل، در واقع انتخاب پال توئیچل، گراس بود چرا که گیل در رویایی پال را ملاقات کرده بود و همسرش جانشینی گراس را تایید کرده بود.

جانشین دوم پال توئیچل:

از سال (۱۹۸۱) شخصی به نام «هارولد کلمپ» رهبری اکنکار را بر عهده گرفت. در حال حاضر، هارولد کلمپ در آمریکا به عنوان رهبر معنوی اکنکار مشغول فعالیت است.

استاد اک یا ماهانتای زنده؛

همیشه یک استاد اک زنده هست و در زمره کسانی است که به اساتید اک معروف اند، که مجموعه آنها را «سلسله ویراگی» می گویند .

اعضای این سلسله، در معبدهای «حکمت طلایی» که در سیاره های گوناگون واقع شده اند، ساکن اند.

در باور اکنکار، اساتید و رهبران معنوی اک در آسمانها، از طرف سوگماد و ۹۷۰ استاد قبلی که در عالم برزخ هستند، انتخاب میشوند؛ نماینده خدا به همراه ۹۷۰ استاد اک و نه فرشته فرود می آیند و عصای قدرت اک را به رهبر جدید تفویض می کند.

ماهانتا؛ معادل واژه پیامبر راستین، «حالتی از آگاهی است که به آگاهی کیهانی معروف است؛ بدین معنی که این استاد در وضعیت آگاهی خود از لحاظ درونی میتواند تمامی دانش پژوهان خود را بدون ملاقات مورد تعلیم قرار دهد و به تمامی زندگی آنان آگاه است.»

باورهای شبه معنوی در اکنکار؛

۱- همکار خدا شدن (وقتی چلا خدا را شناخت همکار خدا می شود).

۲- سفر روح (همزمان در دو مکان شدن).

۳- اکنکار دین زنده و در حال تحول = وابستگی به رهبر

۴- کارما؛ وقتی به خداشناسی رسیدید بدهی به خدا ندارید

۵- عمل؛ بیش از یکصد تمرین روحانی گوناگون در اکنکار هست -HU» هیو». تمرین دیگر، عبارت است از تمرکز روی نور و صوت .

سفر روح؛

سفر روح به معنای خروج روح از کالبد و سیر در جهان های درون است.

اما دو روش عمده در این طریق عبارتند از :

۱. روش تخیلی یا تصویری: در این روش کافی است خود را در مکانی معین و زمانی مشخص تصور کنیم، کالبد معنوی به آن موضع منعکس میشود. هر کجا فکرمان را قرار دهیم، کالبد چاره ای جز تبعیت نخواهد داشت.

۲. روش صوتی: این روش از طریق ذکر صورت میگیرد. با به کار بردن این روشها راز اعصار را در می یابیم و آن اینکه ما خود حقیقت هستیم، حقیقت زنده و تجسم خود خدا!

رؤیاهای و حقیقت درون؛

اکنکار، رؤیا را مناسب ترین راه ورود به عوالم معنوی می داند. در اعتقاد اک، رؤیا می تواند حاوی پیامهای آسمانی و الهامات پیشگویانه باشد. در بین رؤیاهای می توان، رؤیاهای تله پاتیک، رؤیاهای شفابخش، رؤیاهای روشن ضمیری، تجربه عشق الاهی، دریافت رهنمود و برخورداری از حمایت را یافت.

ادیان از دیدگاه اکنکار؛

اکنکار، سرچشمه تمامی ادیان و مذاهب جهان بوده و اینکه همه رهبران و چهره‌های فاخر علمی، شاگردان مکتب اکنکار هستند.

هر دینی را که امروز در قدرت است، نام ببر. من به تو نشان خواهم داد که فقط و فقط زائیده یک وجدان اجتماعی است، نه حقیقتی که از جانب سوگماد آمده باشد.

ناکار آمدی ادیان از دیدگاه اکنکار؛

پال با بیان اینکه سایر ادیان به درک متقابل خالق و مخلوقی نرسیده اند، همه آنان را اسیر اعمال و اصول مذهبی خود دانسته و بدین روش ناکارآمدی آنان را اعلام می کند.

پویا بودن ادیان از دیدگاه اکنکار؛

بی انعطافی ادیان: «تمامی عادات اجتماعی، مذاهب، سیاست‌ها و اصول دینی بر اساس عادات ذهنی‌ای هستند که در شیارهایی قرار داده شده و از نسلی به نسلی دیگر انتقال داده شده‌اند. این عادات ذهنی خشک و غیر قابل تغییر هستند و اغلب باعث ایجاد جنگ‌هایی می شوند که در طی آن میلیون‌ها نفر به قتل می‌رسند. عادات ذهنی معمولاً ارباب نوع بشر می شوند. می‌توانیم بگوییم که تمام نژاد بشر برده عادات ذهنی است.»

ابتدایی بودن ادیان از دیدگاه اکنکار؛

اکنکار ادیان و مذاهب را متعلق به دوران طفولیت نژاد بشر روی زمین می پندارد و آنان را متناسب با حال و رشد عقلی نسل امروز نمی داند.

اختراعی بودن تعالیم ادیان از دیدگاه اکنکار؛

اگر مذاهب را به قدر کافی بشناسی برایت معلوم خواهد شد که احکام و مقررات مربوط به هر گروه خاصی در خود دو تاثیر مثبت و منفی را پیشنهاد می‌کند. به این معنی که اگر از آنچه تشکیلات مذهبی مقرر داشته تابعیت کنی، قول پاداش می‌گیری ولیکن در صورت غفلت از مقررات و احکام، مجازات در پیش خواهی داشت... همه ادیان به این ترتیب تاسیس می‌شوند. از طریق قدرت تصور پیراون‌شان. روحانیت این تصور را اختراع می‌کند و آن‌قدر در مقابل مردم نگه می‌دارد تا قبولش کنند و نیایش آن را بپذیرند.

افیون بودن دین از دیدگاه اکنکار؛

ظاهراً دین قرار است دوست بشر باشد. لیکن تقریباً در تمام طول تاریخ، این دو با یکدیگر ستیز مرگ‌باری داشته‌اند. امروزه روحانیت [دین] تقریباً به یک ناهنجاری پوچ تبدیل شده است. هنوز در همه جای دنیا با توانی بالا حضور دارد. ولیکن روزی خواهد آمد که از سطح زمین برچیده شده، محو و نابود شوند

تعارض اخلاق و ادیان در دیدگاه اکنکار؛

اخلاق در جهت رشد و تعالی بشر هیچ نقشی نداشته و همواره انسان را در مسیر بازگشت به بن بست‌ها و اسارت‌ها رهنمود می‌کند.

اخلاق نه دین است؛ و نه بستری که از میان آن دین رشد می‌کند.

بینش اکنکار درباره خدا؛

- خدا از روی نیاز، جهان‌ها را بنا کرد.

- خدا در مورد آنچه در جهان می گذرد بی تفاوت است زیرا این دنیا چون ماشینی است که پس از روشن شدن، خودبه خود به کارش ادامه خواهد داد .
- خدا جدا و فارغ از بشر است .
- استاد حق، همکاری برای خداوند است که در امور جهان او را یاری میدهد .
- خدا مستقیماً در خلقت دخالت ندارد. اگر این خلقت آگاهانه باشد از طریق اکنکار صورت میپذیرد و اگر نا آگاهانه باشد مانند بقیه خلقت است.

اسامی خدایان اکنکار؛

کل لیرانجان .

آنامی پوروشا.

آگام پوروشا.

حوکیکات پوروشا.

آلایاپوروشا.

الخ پوروشا.

سات پوروشا.

ساگونابراهم .

پارابراهم .

براهم .

توریا پادلوک .

سوگماد.

عرفان های کاذب (غربی)

کابالا

«کابالا» متعارف ترین اصطلاح به کار رفته برای آموزه های رازورانه ی یهودیت می باشد که تلفظ اروپایی آن «کباله» و در زبان عربی با عنوان «قَبَّالَه» از آن یاد می شود.^۳ هر چند که عرفان یهود از قرن دهم میلادی مورد تعلیم و تبلیغ عارفان یهودی قرار گرفته است، اما تاریخچه ظهور کابالا به اوایل قرن سیزدهم میلادی برمی گردد که

^۳ زرسالاران یهودی و پارسی، عبدالله شهبازی، موسسه مطالعات سیاسی، ج ۲، ص ۲۴۳.

توسط شخصی به نام «اسحاق لوریا»^۴ در جنوب فرانسه مطرح گردید. البته برخی از مورخین «سلیمان ابن جبرئیل» و عده ای هم «بهیا بن آشر» را مؤسس کابالا دانسته اند.

کابالیست ها، آیین خود را نمونه ای از دانش سرّی حاخام های یهودی می دانند و برای آن تاریخچه ای کهن قائل هستند. این باور تا جایی عمیق است که «مادام بلاواتسکی» سرکرده فرقه «تئوسوفی» کابالا را کتابی مقدس از سوی خداوند به پیامبران قبل از موسی (علیه السلام) می داند.^۵

کابالا مدعی کشف حکمت مرموز و دانش مستور در پشت اعداد و حروف تورات است که به زعم خود، از ترکیب حروف و جمع و تفریق اعداد، اسرار و رازهای نهانی را کشف می نمودند. رفته رفته کابالیست ها در پی کشف اسرار متافیزیک برآمدند و بدین سبب علوم «جفر و طلسمیات» را پدید آوردند.^۶

نشر و گسترش این تفکر شبه معنوی از زمانی آغاز شد که «جیمز اول» پادشاه آرگون «شمال اسپانیا» در سال (۶۲۷ هـ ق) به دولت های اسلامی اندلس هجوم برده و حکومت ممالیک را به دست آورد. هر چند که جیمز یک مسیحی بود، اما نفوذ «لیگارشوی یهودی» بر وی، توانست تا قدرت یهودیان اسپانیا را افزایش دهد. این مسئله منجر به آن شد که یک حاخام یهودی به نام «موسی بن نهمان» معروف به نهمانیدس با الهام از نظریات اسحاق نابینا، اقدام به تأسیس مرکز «تصوف یهودی» در شهر «گرونا» واقع در ایالت اسپانیا نموده و قدرت این مرکز را به دست حاخام های شهر بسپارد. این مرکز، در تقویت پایه های کابالا و نشر و گسترش آن در سراسر شبه جزیره «ایبری» و ظهور انبوهی از رساله های کابالی نقش قابل توجهی داشته است.^۷

^۴Isaac Luria

^۵Scholem, Gershom, "KABBALAH", in The Encyclopedia Judaica, 1997, Vol 10, p. 494 .

^۶H. P. Blavatsky, The Theosophical Glossary, London: Theosophical Publishing

Society, 1892. p. 168

London: Swan Sonnenschein & Co., 1895, p. 194

^۷ تاریخ جامع ادیان، جان بی. ناس، حکمت، ص ۵۶۴.

^۸ زرسالاران یهودی و پارسی، عبدالله شهبازی، ج ۲، ص ۲۴۷.

در اواخر قرن سیزدهم میلادی با تدوین «کتاب زوهر»^۹ فرقه راز آمیز کابالا به صورت یک نظام فکری و عملی سامان یافته و منسجم گردید. این کتاب توسط «موسی بن شم تاو لثونی» در سال های (۱۲۸۰-۱۲۸۶) نوشته شد. در واقع زوهر، تفسیری راز گونه از عهد عتیق را ارائه می دهد.^{۱۰}

اندیشه های کابالی

(۱) کابالا و همکاری با خداوند

یک کابالیسم معتقد است که، هدف از خلقت انسان همکاری با خداوند است. از این منظر خدا انسان را آفرید تا همکار وی در باز گرداندن نظم آغازین باشد.

(۲) تناسخ

تناسخ در آموزه های کابالا «گیلگول»^{۱۱} نامیده شده است. دلیل روشنی بر وجود این اصطلاح در کتاب مقدس و تلمود وجود ندارد. اما پیروان کابالا سعی دارند تا براساس برخی جملات این مفهوم را در تورات جای دهند. به عنوان مثال این آیه از کتاب مقدس که می فرماید: «یک نسل می میرند و نسل بعد جایگزین آنها می شود»، بدین معنا گرفته شده که نسل آمده همان نسلی است که مرده بود.^{۱۲}

(۳) کابالا مکمل تورات.

هدف تصوف یهودی، کشف رموز مستور از تورات و ارائه شیوه های عملی عرفان و معنویت به یهودیان است.

(۴) «ان سوف»^{۱۳}، نیمه نرینه خدایی

^۹ Zohar یا کتاب الجلال.

^{۱۰} زرسالاران یهودی و پارسی، عبدالله شهبازی، ج ۲، ص ۲۴۵.

^{۱۱} Gilgul

^{۱۲} E.O, "GILGUL", in The Encyclopedia Judaica, 1997, Vol7, p.574 .

در عرفان یهود، خدایی متفاوت مطرح است که نیمه نرینه خدایی نام دارد. این خدا قدرتی است لایتناهی و غیر قابل فهم برای انسانها که «ان سوف» نام گرفته است. این نام توسط اسحاق نابینا بر وجودی اطلاق شد که محل تعمق عارفان یهودی است.^{۱۴}

۵) «شخینا» نیمه مؤنث خدایی

یکی از مهمترین اصول اعتقادی کابالا مفهوم شخینا است. شخینا در تلمود به معنای حضور دائمی خداوند و یا آرامش بیان گردیده است.^{۱۵} در تصوف یهود، این آموزه با عنوان «نیمه مونث خداوند» آمده است. پیروان کابالا، بر این باورند که شخینا به عنوان نیمه مادینه خداوند است که بر اثر گناه آدم ابوالبشر از نیمه دیگرش یعنی «ان سوف» جدا شد و به زمین هبوط کرد.^{۱۶} از آن زمان بر اساس تعالیم کابالایی وظیفه هر فرد یهودی آن است تا به فرایندی که «ییحود»^{۱۷} نام دارد و طی آن هماهنگی آغازین یعنی پیوند «ان سوف و شخینا» را رقم میزند کمک کند. این هدف با انجام تکالیف شرعی و عمل به تورات صورت می گیرد و اتحاد بین خدای نرینه و مادینه جزو تکالیف هر یهودی مومن است.

۶) سفیروت، تجلیات مذکر و مونث

^{۱۴} جریانات بزرگ در عرفان یهود، شولم. گرشوم، ترجمه فرالدین رادمهر، ص ۳۳۱.

^{۱۵}UMANSKY, ELLEN M, "SHEKHINAH", in The encyclopedia of religion, 1986, Vol13, p.236 .

^{۱۶} یهودیت، اپستاین. ایزیدور، ص ۲۸۷ - ۲۸۸.

ده تجلی صادر شده از «ان سوف» سفیروت نام دارد. سفیروت به عنوان رحمت عام خدای کابالا بر مخلوقات است که شامل عناصر مذکر و مونث می باشد. هر سفیره (مفرد سفیروت) حامل یک انرژی بوده و تجلی یک صفت «ان سوف» است. این آموزه تحت تاثیر تعالیم گنوسی^{۱۸} در عرفان یهود راه یافته است.

این سفیره ها عبارتند از: «کتر(اراده)، خوخما (حکمت)، بینا (فهم)، حسد (عشق)، گبورا (قدرت)، تیفرت (جمال)، نصح (پیروزی)، هود (عظمت)، یسود(بنیان)، ملخوت (سلطنت)». کتاب زوهر برای باور پذیر کردن نوع ارتباط بین سفیروت و همچنین توضیح صدور آنها، از تصاویر جنسی و انسان وار بهره گرفته است. گویا هر دو سفیره در ارتباط جنسی، باعث به وجود آمدن سفیره بعدی می شود.^{۱۹}

اعتقاد به خدای دوقطبی

در متن های درج شده در تلمود، از دو صفت عمده، یعنی صفت رحمت^{۲۰} و صفت خشم^{۲۱} سخن به میان آمده است که هر کدام به صورت جداگانه و در قالب دو شخصیت الهی ظهور و بروز پیدا می کنند.^{۲۲}

مناسک جنسی

یکی از مهم ترین اعمال آیینی در کابالا، مناسک جنسی بین پیروان این گروه است، که از نیمه قرن هجدهم بر اساس آموزه های «یعقوب بن یهودا لیب»، مشهور به «یاکوب فرانک» وارد عرفان یهود شد. مسئله رابطه جنسی در کابالا، نه به عنوان یک عمل برای تولید مثل و ارضای غریزه جنسی، بلکه به مثابه هدف انسان در زندگی، بر آن تأکید شده است. بنیان گذاران کابالا همه این اهداف ترویجی مناسک جنسی را در قالب انجمن «پرستش زنان» که بعد ها تشکیل دادند، پی ریزی کردند.

^{۱۸} گنوس (Gnosti s) واژه ای یونانی است که از ریشه هندو - اروپایی (gn-gno) به معنی دانش و معرفت گرفته شده است و یادانش در انگلیسی (know) و معرفت در سنسکریت (J nana) هم ریشه است. این واژه در مطالعات ادیان برای اشاره به برخی از مکاتب و مذاهب باستانی شرقی و یونانی - رومی به کار می رود که آگاهی از اسرار الهی را وسیله نیل به رستگاری می دانستند. فظ «گنوستیسیسم»، برای نامیدن مجموع فرق ثنوی ای که در قرون دوم و سوم میلادی در جهان مسیحیت ظهور کردند، به کار گرفته شد. ریشه های مسیحی در مکاتب گنوسی افلاطونی، هادی نا، محبوبه، ص ۲۳.

^{۱۹} یهودیت، ایستاین. ایزیدور، ترجمه بهزاد سالکی، ص ۲۸۵ - ۲۸۷.

^{۲۰} Middat ha-rahamim

^{۲۱} Middat ha-din

^{۲۲} آیین قبلا، شیوا کاویانی، ص ۳۵.

انحرافات کابالا

۱. تناسخ.
۲. همکاری با خدا.
۳. اعتقاد به خدای «ان سوف و شخینا».
۴. تظاهر به معنویت و عرفان

عرفان های کاذب (غربی)

کارلوس کاستاندا

تولد: سال (۱۹۳۵) در شهر «سائو پائولو» برزیل.

اخذ دکترا: در سال (۱۹۷۳) در رشته مردم شناسی با موضوع گیاهان دارویی از دانشگاه کالیفرنیا.

مرگ: سال (۱۹۹۸) به علت سرطان کبد.

استاد معنوی: دون خوان ماتیوس.

کارلوس در تعریف عرفان ساحری می گوید:

«ساحری توانایی درک و مشاهده چیزهایی است که دریافت معمولی ما، قادر به درک و مشاهده ی آن نیست. ساحری ذخیره انرژی است تا با میدان های انرژی که در دسترس نیستند سر و کار داشته باشی. البته من قصد تأسیس نظام فلسفی یا ارایه نظرات تئوری ندارم، بلکه می خواهم نظام عملی را بیان کنم؛ نظامی که بر پایه معرفت از نوع شهودی است.»

جهان بینی عرفان ساحری

جهان در عرفان ساحری به صورت مجموعه های فراخ و بی پایان از میدانهای انرژی جلوه می کند که همچون رشته های نور است و سرچشمه آن به استعاره (عقاب) نام گرفته است.

اعتقاد به « تونال و ناوال - انسان و جهان - علت هستی.»

جایگاه خدا در عرفان ساحری

دون خوان خدا را در گروه ناشناختنی ها قرار داده است بطوری که نمی توان در نفی و اثبات آن سخن گفت. از این روی، بر پایه آن چه کاستاندا از دون خوان نقل می کند، می توان مدعی شد که در این مکتب، ایده و اندیشه خدا

(در مسیر سلوک) وجود ندارد. البته این سخن بدین معنی نیست که در عرفان سرخ پوستی (خداوند) هیچ گونه حضوری ندارد.

تونال و ناوال؛

در دیدگاه دون خوان، هر انسانی دو هستی جداگانه و متضاد دارد که از لحظه تولد انسان، شروع به کار می کنند. یکی از آنها تونال و دیگری ناوال نام دارد. تونال، به عنوان یک حامی برای انسان بوده و به صورت مراقب و محافظ برای او محسوب می گردد. به عبارت دیگر، تونال سازمان دهنده دنیا است و وظیفه تنظیم آشفستگی جهان را برعهده دارد. تونال همان چیزی است که ما سعی می کنیم تا از لحظه تولد آن را در ذهن مان پرورش دهیم. تونال مانند جزیره ای است که تمام آنچه دنیای انسان را تشکیل می دهد، در درون آن قرار دارد. این جزیره را دریای بی کرانه ای احاطه کرده است که ناوال نام دارد.

ناوال؛

ناوال بخشی از ماست که هیچ بیانی، هیچ کلمه ای، هیچ نامی، هیچ احساسی و هیچ شناختی برایش وجود ندارد.

انسان شناسی کارلوس

انسان شناسی دون خوان، در پیوند با تعریفی است که او از عالم دارد. او جهان را میدانهای بی کران انرژی و نور می داند. بر این اساس حقیقت انسان نیز شکل یافته از شمار بی پایان از همان میدانهای انرژی و رشته های نور است که همچون (گوی درخشانی) آشکار می شود و جادوگران نام (تخم مرغ نورانی) بر آن نهاده اند.

علت هستی در دیدگاه کارلوس

به گفته دون خوان «عُقَاب» علت و دلیل هستی ماست.

اوست که سرنوشت پدیده ها و آفریده های زنده را رقم می زند.

آگاهی را به ما امانت می دهد و چون بمیریم، آگاهی عاریت گرفته شده را باز می ستاند.

ایدئولوژی کارلوس

الف): کسب اقتدار شخصی.

ب): خاموش ساختن ذهن و گفت و گوی درونی.

ج): تغییر (نقطه تجمع) و رسیدن به اوج آگاهی و معرفت شهودی.

اهداف اول و دوم در راستای تحقق هدف سوم می باشند.

کسب اقتدار شخصی؛

- دویدن در تاریکی.
- خودداری از آمیزش جنسی (جهت ذخیره انرژی).
- هر عمل، آخرین نبرد برای سالک است.

- تغییر نوع تصور از خود.
- انتخاب مکان قدرت (هر فردی باید جایگاه خود را بیابد).

فنون خاموش ساختن ذهن و گفت و گوی درونی؛

- ترک عادت.
- به کارگیری دومین دقت.
- عمل بدون چشم داشت.
- حماقت اختیاری.
- نفی گذشته شخصی
- بی عملی.
- درست راه رفتن.
- خیره شدن.
- حرکتهای تنسگریتی (تنسگریتی، وصفی است مرکب از دو واژه (کشیدگی) و (تندرستی).

فنون تغییر (نقطه تجمع) و رسیدن به اوج آگاهی و معرفت شهودی.

- هنر رؤیا بینی.
- گیاهان روانگردان.
- دود (تخدیر)

- پیوت

- تاتوره

ویژگیهای سالک برای کسب آگاهی؛

- جنگجویی.

- سالک یک شکارچی است.

- عقل ستیزی.

- بی اهمیت دانستن همه چیز.

- فقط راه دل

- نیاز به مُرشد

- اتحاد با روح جهان

عرفان های کاذب(غربی)

شیطان گرایی

با توجه به ترجمه لفظی «Satanism» که اشاره به مکاتب شیطانی دارد، اطلاق عنوان شیطان گرایی برای این گروه ها مناسب تر به نظر می رسد. علاوه بر این، شیطان گرایی یک واژه عام است که دربرگیرنده تمامی فرقه های شیطانی می باشد.

مفهوم شیطان

این مفهوم، در اغلب ادیان غیر توحیدی با عنوان «مظهر زشتی و پلیدی» آمده است. این واژه در مسیحیت با نام «لوسیفر»^{۲۳} به معنای فرشته ای که از درگاه خدا طرد شده^{۲۴} و در دین یهود «دیابولس، ابدون، اپلیون»^{۲۵} به معنای دشمن، سخن چین، هلاک کننده، واژه‌ی اطلاق شده بر مفهوم شیطان است. در اسلام نیز با عنوان «الشیطان» به معنای دور شدن، خطاکار، متجاوز و... آمده است^{۲۶} که شامل هر موجودی می‌شود که شرارت در او ملکه راسخ شده باشد. این صفت غالباً در قرآن کریم به موجودی به نام «ابلیس» نسبت داده شده است.^{۲۷}

روند تکامل شیطان‌گرایی

تکامل کلاسیک: جریان شیطان‌گرایی در میان انسانها، از دوران باستان آغاز شده و تا اواسط قرون وسطی،^{۲۸} روند تکاملی خود را پیموده است. این روند، به صورت مدون، از قرن یازدهم تا اواسط قرن پانزدهم، در پنج مرحله به تکامل کلاسیک خود رسید:

- ۱) ترویج و شیوع سحر و جادو در «قرن ۱۱».
 - ۲) علنی شدن عرفان یهود (کابالا) در «قرن ۱۳» و گرایش مردم به علوم سری.
 - ۳) شروع نهضت علم‌گرایی سکولار در عصر رنسانس.
 - ۴) ایجاد سازمان ماسونی (۱۰۹۳م) و درونی کردن ارزش‌های شیطانی.
 - ۵) ابداع موسیقی شیطانی و ترویج نمادها و آیین‌های شیطانی.
- تکامل مدرن:** جریان شیطان‌گرایی در اواسط سال‌های (۱۵۰۰-۱۶۰۰م) وارد مرحله جدیدی از نوع خود گردید. این جریان مدرن، توسط «کاترین دومدیچی» از خانواده بزرگ یهودی و دختر «لورنز» جادوگر بزرگ، همسر هنری

^{۲۳}Lucifer

^{۲۴} ترجمه تفسیری عهد جدید، جمعی از نویسندگان، فصل مکاشفه، بند ۱۰.

^{۲۵} دائرة المعارف الاسلامیة، احمد شنتاوی، ج ۱۴، ص ۵۱.

^{۲۶} المنجد، ج ۱، ص ۵۴۱. ذیل کلمه شطن.

^{۲۷} گفته‌ها و ناگفته‌های شیطان پرستی، سید علی حسینی، ص ۲۸.

^{۲۸} قرون وسطی یا سده‌های میانه، نام یکی از چهار دوره‌ای است که برای تقسیم‌بندی تاریخ اروپا استفاده می‌شود. این چهار دوره عبارت بودند از «دوران کلاسیک باستان، قرون وسطی، عصر نوزائی (رنسانس) و دوران جدید یا مدرن که از (۱۶۰۰) میلادی شروع می‌شود». معمولاً قرون وسطی را از پایان امپراتوری روم در قرن پنجم میلادی تا سقوط قسطنطنیه توسط دولت عثمانی و پایان امپراتوری روم شرقی (یا بیزانس) در (۱۴۵۳) در نظر می‌گیرند.

دوم پادشاه فرانسه پدید آمد. وی بعد از مرگ همسرش، مراسم «بلک مس»^{۲۹} را در بین اشراف و درباریان فرانسه بنیان گذاشت.^{۳۰} بعدها این مراسم بطور یک جریان سری در طول سال های (۱۷۰۰-۱۸۰۰م) در قالب گروه های مختلف رهبری گردید.^{۳۱} این گروه ها معتقد به وجود خارجی شیطان نبوده و بر این باورند که شیطان در طبیعت انسان ها جای گرفته است.^{۳۲}

در آغاز سال (۱۸۹۸م) شخصی با لقب «رسوای شیطان پرستی» به نام «آلیستر کرولی»^{۳۳}، تحقیقاتش را درباره حقیقت بشر و اعمال شیطانی آغاز کرده و به عضویت گروه ماسونی «هرمیتیک اوردور»^{۳۴} در آمد. وی پس از گذشت مدت زمان کوتاهی، با تأسیس انجمن «شیطان برای شیطان»، اعمال شیطانی جدیدی را ابداع کرده و اقدام به عضوگیری نمود.^{۳۵} کرولی پس از مدتی اعلام کرد که فرشته ای به نام «آیواز» با او صحبت کرده و دستوراتی را به وی الهام نموده است. وی این دستورات را با نام «کتاب قانون» منتشر کرده و آن را مبنای تشکیل گروهی به نام «تلما»^{۳۶} قرار داد.^{۳۷}

شیطان گرایی در عصر حاضر

الف) جریان سیتنیسم^{۳۸}؛ آنچه امروزه با نام شیطان گرایی و در برخی موارد با عنوان شیطان پرستی در جامعه مطرح شده است، همان شیطان گرایی فلسفی است که توسط «آنتوان لاوی» پایه گذاری گردید. لاوی در سال (۱۹۳۰م) در یک خانواده یهودی در ایالت آمریکا متولد شد. وی پس از آموختن هیپونیتزم و نیروهای ماورایی، اقدام به برگزاری کلاس های هفتگی با عنوان «هنر سیاه» کرد. این کلاس ها در خصوص موضوعات مرموزی مانند: «رؤیاهای خون آشامان، گرگ نمایان، غیب گویی، جادوی تشریفاتی و...» برگزار می شد.

۲۹ . این مراسم از روی مدل آیین های جادویی باروری باستانی و بدوی و گردهم آبی های جادوگران در قرون وسطا بازسازی شد Black mass²⁹ و در مدت کوتاهی به دربار سایر کشورهای اروپا از جمله انگلستان، آلمان و اتریش راه یافت.

^{۳۰} سیری در تاریخ جادوگری، پیتر هاینینگ، هایدت تولایی، ص ۹۰.

^{۳۱} همان، ص ۱۰۱.

^{۳۲} جریان شناسی ضد فرهنگ ها، عبدالحسین خسروپناه، ص ۱۴۱.

^{۳۳} Aleister Crowle

^{۳۴} Hermetic Order of the Golden Dawn

^{۳۵} سیری در تاریخ جادوگری، پیتر هاینینگ، هایدت تولایی، ص ۱۰۷.

^{۳۶} Thelema

^{۳۷} سیری در تاریخ جادوگری، پیتر هاینینگ، هایدت تولایی، ص ۱۰۸.

^{۳۸} Satanism

آنتوان لاوی در ۳۰ آوریل (۱۹۶۶م) مصادف با جشن «والپورگیناخت» که یکی از فستیوال های سالانه جادوگران محسوب می شود، تاسیس فرقه «سیتنیسم» و «کلیسای شیطان» را اعلام نمود.

وی با اعلام این که عصر شیطان آغاز شده است، سال (۱۹۶۶م) را به عنوان اولین سال «عصر شیطان»^{۳۹} قرار داد. او همچنین خانه اش در سانفرانسیسکو را «کلیسای شیطان»^{۴۰} معرفی و سه سال بعد هم «انجیل شیطانی»^{۴۱} را منتشر کرد. بعد از مرگ لاوی در سال (۱۹۹۷م) همسرش جانشین او شد.^{۴۲}

تألیفات شیطانی آنتوان لاوی

انجیل شیطانی (۱۹۶۹م)؛ جادوی شیطانی^{۴۳} (۱۹۷۱م)؛ نیایش های شیطانی^{۴۴} (۱۹۷۲م)؛ دفتر یادداشت شیطان^{۴۵} (۱۹۹۲م)؛ گفتگوهای شیطان^{۴۶} (۱۹۹۸م).

جهان بینی در شیطان گرایی لاوی؛

۱. هر شخصی، خدای خودش است.
۲. محور و مرکزیت عالم هستی، انسان است.
۳. شیطان وجود خارجی ندارد. او در طبیعت انسان است.
۴. کینه و شرارت لازمه ذات انسان است و این صفات بر سایر ابعاد غلبه دارد.
۵. پرستش موجودی به نام خدا مفهومی ندارد.
۶. برتری بر دیگران، هدف والای انسان است.
۷. زندگی پس از مرگ مسئله ای غیر واقعی است.
۸. دیانت و لذت در تقابل هستند.^{۴۷}

^{۳۹}Anno Satanas

^{۴۰}The church of satan

^{۴۱}Bible of satan

^{۴۲}The satanic bible. Antonszandor lavey.P.30

^{۴۳}The Satanic Witch

^{۴۴}The Satanic Rituals

^{۴۵}The Devil's Notebook

^{۴۶}Satan Speaks

ب) جریان ستیانس^{۴۸}؛ «مایکل آکینو»^{۴۹} یکی از اعضای فعال کلیسای شیطان و از نزدیکان آنتوان لای، پس از مدتی به علت برخی اختلاف نظرها و انتقادات، از جریان سیتنیسم جدا شده و اقدام به تأسیس فرقه دیگری با عنوان «ستیانس» نمود. وی در سال (۱۹۷۵م) معبدی با عنوان «معبد ست»^{۵۰} در سانفرانسیسکو تأسیس کرد. مهمترین اختلاف دیدگاهی که میان جریان سیتنیسم و ستیانس وجود دارد، اختلاف آن دو نسبت به ماهیت وجودی شیطان می باشد. همانطور که گذشت، سیتنیسم ها شیطان را سمبل و نماد امیال نفسانی و امور شر دانسته و برای شیطان، وجود خارجی قائل نیستند، در حالیکه ستیانست ها به وجود عینی شیطان به عنوان «شاهزاده تاریکی»^{۵۱} معتقد بوده و آنرا مورد پرستش قرار می دهند.

موسیقی و شیطان گرایی

ارتباط موسیقی با شیطان گرایی با پیدایش «هوی متال» به وجود آمد. این موسیقی، دارای دو معنای غیر مرتبط از هم است:

الف): گونه ای از موسیقی به همراه زیر شاخه های آن.

ب): سبکی از موسیقی که گروه های اولیه هوی متال در دهه (۱۹۷۰م) ارائه می کردند که به متال سنتی معروف است.

سبک های موسیقی هوی متال

«بلک متال، کلاسیک متال، دث متال، دووم متال، فولک متال، گلم متال، گوتیک متال، نو متال، پاور متال و...». هوی متال هر چند با نیت شیطانی پا به عرصه هنر نگذاشت، اما به وسیله سران قدرت، برای رسیدن به اهداف خود، به سمت شیطان گرایی منحرف شد و به یک موسیقی شیطانی مبدل گردید. از جمله گروه هایی که از این موسیقی برای اهداف شیطانی استفاده می کنند؛ گروه منسون را می توان نام برد.

^{۴۷} گفته ها و ناگفته های شیطان پرستی، سید علی حسینی، ص ۹۹.

^{۴۸}Setians

^{۴۹}Michael Aquino

^{۵۰}Temple of Set

^{۵۱}Princess of Darkness

«برایان وارنر»^{۵۲} معروف به «شیطان بزرگ» در سال (۱۹۶۹م) منطقه کانتون اوهایو آمریکا به دنیا آمد. نام «مرلین منسون»^{۵۳}، ترکیب اسامی دو نفر از شخصیت های مورد علاقه وارنر است که بعدها برای خود انتخاب کرد.^{۵۴}

مرلین منسون، پس از آشنایی با «اسکات میچل» گیتاریست معروف، گروه متالیکای خود را تشکیل داد. وی پس از انتخاب «گروه منسون»، با یک شرکت فعال موسیقی با نام «تایتینگ ریکوردز لیلیل» در امریکا آشنا می شود که این آشنایی زمینه های گرایش بیشتر شیطان گرایی مدرن به وحشی گری در صحنه های اجرا، از جمله «پاره کردن انجیل و پرتاب آن به سمت مردم و خوردن مدفوع و...» را فراهم آورد.^{۵۵}

آثار مرلین منسون

الف): حوزه رسانه.

- ۱) ساخت موزیک متن ۴۸ فیلم. «ماتریکس، اهل جهنم وساکن شیطانی و...».
- ۲) بازیگر نقش اول در ۹ فیلم پرفروش.
- ۳) کارگردانی ۵ فیلم معروف.
- ۴) تهیه کننده ۳ فیلم.
- ۵) مدیریت گروه موزیک ۳ فیلم
- ۶) فیلم نامه نویسی یک فیلم.
- ۷) تشکر ویژه از وی در ۶۷ فیلم به عنوان یک شخصیت.
- ۸) عرضه شده در یک بازی کامپیوتری با نام «فایرس» که در سال (۲۰۰۵م) در نقش یکی از شخصیت های داستان با نام «ادگار».

ب): حوزه نشر.

کتاب های منتشر شده در ارتباط با مرلین منسون:

- ۱) Marilyn Manson Talking، نوشته مرلین منسون ، سال (۱۹۹۸م).

^{۵۲}Brain Warner

^{۵۳}Marlyn Manson

وی، مرلین را از بازیگر زن هالیوودی «مرلین مانرو» که شهرت به فساد و بازی در فیلم های غیر اخلاقی داشت و از ظاهر زیبایی 54 برخوردار بود و منسون را از کشیش ناراضی فرقه گرا و قاتل حرفه ای به نام چارلز منسون بر می گزیند.

^{۵۵}تهاجم فرهنگی و اصناف، محمد زارعان، ص ۱۸.

- ۲) Marilyn Manson a Biography، نوشته Kurt B Reighley، سال (۱۹۹۸م).
۳) The Long Hard Road Out of Hell، نوشته مرلین منسون، سال (۱۹۹۹م).
۴) Disecting Marilyn Manson، نوشته Gavin Badailey، سال (۱۹۹۹م).
۵) Marilyn Manson Lest We Forget: The Best of، نوشته مرلین منسون، سال (۲۰۰۵م).
۶) Lest We Forget: Best of Marilyn Manson-Guitar Tab-Music، نوشته مرلین منسون، سال (۲۰۰۶م). و بیش از ۲۰ کتاب دیگر.

شیطان گرایی در تقابل با دین

با توجه به تفکرات ضد دینی در فرقه سیتنیسم و حکومت مسیحیت در دنیای غرب، تقابل با دین، نمود ضد مسیحی بودن به خود گرفته و استفاده از الفاظی همچون «انجیل شیطانی، کلیسای شیطان، مراسم عشاء سیاه و نمادهایی همچون صلیب وارونه و صلیب شکسته و ...» که با ترکیب کاراکترهای دین مسیحیت با عناوین شیطانی، در صدد تخریب و توهین به دین مسیح است، محصول همین نگاه ضد مسیحی می باشد.

عرفان های کاذب (غربی)

پائولو کوئلیو

سال تولد: سال ۱۹۴۷ در شهر «ریودی ژانیرو» پایتخت سابق برزیل.

ابزار ترویج افکار: رمان های معنوی.

از وی تاکنون نوزده جلد کتاب به چاپ رسیده است که همه آنها به بیش از ۶۰ زبان زنده دنیا ترجمه شده و در

بیش از ۱۵۰ کشور جهان منتشر شده است.

ساختار اندیشه پائولو کوئلیو؛

- تفکرات جادویی
- مارکسیستی
- شیطان گرایی
- نظریات فروید
- یونگ
- مارکی دوساد
- فردریک دورنمات
- عرفان مسیحی
- کابالا.

اندیشه مارکسیستی پائولو.

یکی از دیدگاه های مارکسیسم این است که؛ اقتصاد، پول و ثروت هدف بوده و اصالت دارد و زیربنای جامعه را تشکیل می دهد و در مقابل، دین، مذهب و اخلاق روبنای جامعه هستند و اصالت ندارند .

در کتاب «یازده دقیقه» پائولو: ماریا؛ شخص اول رمان یازده دقیقه، که در آرزوی به دست آوردن پول و ثروت فراوان است، با تکیه بر این شعار مارکسیستی؛ که هدف وسیله را توجیه می کند، اخلاق، شرافت، و نجابتش را کنار می گذارد و به روسپی گری می پردازد و در نهایت به یکی از زنان ثروتمند و خوش بخت تبدیل می شود. «دستمزد

آنان [روسی‌ها] تقریباً در هر چهار ساعت، معادل دو ماه کار در فروشگاه پارچه است... یعنی در یک روز معادل دو ماه حقوق در فروشگاه پارچه... در عین حال آنچه یک روسپی معمولی به دست می‌آورد، بسیار بیشتر از پولی است که می‌توان با تدریس زبان فرانسه در برزیل به دست آورد. تنها نیاز به حضور در یک میخانه، رقصیدن و ایجاد ارتباط دارد.»

اندیشه سحر و جادو؛ پائولو.

پائولو می‌گوید: «کاستاندا برای من یک بت محسوب می‌شود. همیشه می‌گویم که او زندگی مرا عوض کرده است.» به عنوان نمونه؛ اولین کتاب پائولو «خاطرات یک مغ» می‌باشد که البته نام اصلی آن «خاطرات یک جادوگر» و موضوع آن نیز یکی از سنت‌های جادوگری است. موضوع کتاب دیگر او؛ «بریدا» نیز جادوگری است که نویسنده در آن به بیان دو سنت از سنت‌های جادوگری؛ یعنی سنت ماه و خورشید می‌پردازد. کتاب ساحره‌ی پورتوبلو، نیز درباره‌ی یک جادوگر است.

اندیشه شیطان‌گرایی؛ پائولو.

اندیشه‌های شیطان‌گرایی در پائولو کوئلیو، با مطالعه آثار و اندیشه‌های شیطان‌ی «آلیستر کرولی» به وجود آمد. کرولی مسئول و مؤسس انجمن «شیطان برای شیطان» در قرن بیستم است.

پائولو در کتاب‌های؛ بریدا، زهیر، و ساحره پورتوبلو از شیطان پرستی، مراسم شیطان پرستی و احضار شیطان، سخن به میان آورده است. او در کتاب بریدا، علاوه بر این که آداب و نحوه‌ی انجام یکی از مراسم شیطان پرستی را به نگارش در آورده است .

تعلیمات پائولو کوئلیو؛

۱- استمداد از روح جهانی: به اعتقاد پائولو، حیات و روح همه موجودات از روح جهانی است. بنابراین هر کس روح خود را به آن برساند و ببیند، به سرچشمه زندگی همه کائنات رسیده و می تواند ارتباطی مؤثر با آنها برقرار کند و نیز پی می برد که «روح جهان، بخشی از روح خداوند است». به بیان دیگر می تواند از طریق ارتباط با روح جهانی با روح خدا مرتبط شده، بر امور عالم تاثیر گذارد.

۲- گوش سپردن به ندای درون

۳- افسانه شخصی

۴- عشق

۵-خدای خطا کار

۶- پذیرش احساسات منفی به جای تغییر آنها.

عرفان های کاذب (بومی)

عرفان حلقه – کیهانی

بنیان گذار: محمد علی طاهری.

سال تولد: ۱۳۳۵ شمسی در کرمانشاه.

شعار: «عرفان حلقه، راه رسیدن به کمال» است.

سال شروع: سال (۱۳۷۶ شمسی)

اتهامات: «توهین به مقدسات، مداخله غیر قانونی در امور پزشکی، تحصیل مال نامشروع، استفاده غیر مجاز از عناوین علمی (دکتر و مهندس) و لمس بیماران مونث به بهانه درمان.»

کتاب های تألیف شده:

- انسان از منظری دیگر:
- اساسنامه عرفان کیهانی:
- موجودات غیر ارگانیک:
- بینش انسان:
- انسان و معرفت:
- مجموعه مقالات:

اصطلاحات کاربردی در عرفان حلقه:

(۱) اصطلاحات اسلامی: «شریعت، طریقت، حقیقت، بیت الله، جبل الله، مجاز، شوق، کرامات، فیض، دعا، موحد، وحدت، کثرت، عشق، کمال، اسرار، تسلیم، صراط مستقیم، عبادت و...»

(۲) اصطلاحات سایر ادیان و مکاتب: «روح القدس، کارما، مانترا، روشن بینی، چاکرا، کانال های انرژی، کالبد اختری، کالبد فیزیکی، کالبد ذهنی و...»

(۳) اصطلاحات تأسیسی: «عرفان کیهانی، شبکه شعور کیهانی، پله عشق، فرادرمانی، لایه محافظ، جهان تک قطبی، شعور معیوب سلولی و...»

(۴) اصطلاحات علوم تجربی: «خَمَشِ فضا، اختلاف فازی، اسکن، پولاریتی، امواج، دشارژ، سیستم عصبی، جهان موازی، تشعشع، اکولوژی کیهانی و...»

شبکه شعور کیهانی؛

«اساس این عرفان بر اتصال به حلقه های متعدد شبکه شعور کیهانی استوار است و همه مسیر سیر و سلوک آن، از طریق اتصال به این حلقه ها صورت می گیرد.»

با بررسی مسائل مطرح شده در خصوص شبکه شعور کیهانی، آنچه به دست می آید؛ فیزیکی و مادی بودن این شبکه می باشد که ساختار اصلی جهان مادی را تشکیل می دهد.

اتصال و چگونگی آن:

منظور از اتصال در فرادرمانی، برقراری نوعی ارتباط است که هیچ تعریف دقیقی ندارد؛ زیرا در دنیای بی ابزاری صورت گرفته است.

«برای بهره‌برداری از عرفان عملی عرفان کیهانی (حلقه)، نیاز به ایجاد اتصال به حلقه‌های متعدد شبکه شعور کیهانی می‌باشد و این اتصالات، اصل لاینفک این شاخه‌ی عرفانی است. جهت تحقق بخشیدن به هر مبحث در عرفان عملی، نیاز به حلقه‌ی خاص و حفاظ‌های خاص آن حلقه می‌باشد. اتصال به دو دسته کاربران و مریان ارایه می‌شود، که تفویضی بوده، در قبال مکتوب نمودن سوگندنامه‌های مربوط، به آنان تفویض می‌گردد. تفویض‌ها، توسط مرکزیت که کنترل و هدایت‌کننده‌ی جریان عرفان کیهانی (حلقه) می‌باشد، انجام می‌گیرد.» / عرفان کیهانی

(حلقه). ص ۸۰

کالبد ذهنی (موجودات غیر ارگانیک نوع B)

هر انسانی کالبد‌های متعددی مانند کالبد فیزیکی، کالبد اختری، کالبد روانی، کالبد ذهنی و چندین هزار کالبد ناشناخته دیگر دارد. با مرگ انسان و پایان یافتن زندگی او در این دنیا، کالبد فیزیکی (جسم) وی از سایر کالبد‌ها جدا می‌شود و رو به زوال می‌رود. مرگ، عامل حذف کالبد‌های دیگری مانند کالبد روانی و کالبد اختری نیز هست. اما کالبد ذهنی همچنان باقی می‌ماند. اگر فردی را که پس از مرگ از این دنیا، با حاکمیت کالبد ذهنی خود ادامه حیات می‌دهد، در همان شرایط پس از مرگ، کالبد ذهنی بنامیم، می‌توان گفت که این اصطلاح معادل اصطلاح (روح) در نظر اغلب مردم است.

فرادرمانی؛ در تعریف عرفان حلقه

«نام شاخه درمانی در این مکتب عرفانی؛ (فرادرمانی) است. انجام کار درمانگری هیچ گونه (کارما و عکس العمل منفی) برای انسان نداشته، برای انجام آن نیاز به کسب اجازه از خداوند نیست، زیرا توسط شعور کیهانی انجام می‌شود، نه توسط درمانگر. نظر به اینکه درمان توسط شعور کیهانی صورت می‌گیرد، درمانگر حق ندارد هیچ نوع از انواع بیماری‌ها را غیر قابل علاج بداند.»

اولین قدم در عرفان کیهانی درمان است.

تا اول مشکلات جسم و روان و ذهن برطرف بشود یا کاهش پیدا کند. از این رهگذر، فرد با هوشمندی الهی هم آشنا می‌شود و خود این، نقطه‌ی عطفی است که او را به سوی صاحب این هوشمندی معطوف می‌کند. لذا، با این نتایج، درمان آغاز خوبی برای عرفان است.

جهان تک قطبی؛ در تعریف عرفان حلقه

«این جهان، جهانی است موصوف، ولی در آن، هیچ گونه تضادی وجود نداشته، فاقد بُعد زمان و بُعد مکان می باشد. در مقابل جهان تک قطبی، جهان دیگری با نام جهان دو قطبی شناخته می شود که در آن، فهم هر چیزی به فهم ضد آن بستگی دارد.»

بیت الله؛ در تعریف عرفان حلقه

«بیت الله فقط به انسان اطلاق می شود، زیرا تنها مکانی است که خداوند از روح خود در آن دمیده است.»

اندیشه شناسی عرفان حلقه؛

(۱) اندیشه اومانیستی: «انسان شاهد جهان هستی و جهان هستی شاهد انسان است.»

(۲) اندیشه مادی گرایی: «جهان هستی از حرکت آفریده شده است، از این رو جلوه های گوناگون آن نیز ناشی از حرکت بوده و چون هر جلوه ای که ناشی از حرکت باشد، مجازی است. در نتیجه؛ جهان هستی نیز مجازی بوده و حقیقتی وجود ندارد.»

(۳) تئوری وحدت و کثرت:

الف). حرکت از عالم کثرت به عالم وحدت: در این حرکت، همه تلاش ها برای نزدیکی انسان ها به یکدیگر صورت گرفته، از هر عاملی که باعث جدایی انسان ها و ایجاد تفرقه بین آنها می شود، اجتناب به عمل می آید.

ب). آزمایش آخر: «اینک ما بهم رسیده ایم، چیزی که ظاهراً منتظرش بودید و وصالی که طلبش را داشتید اما نه به اندازه ای که من مشتاق بودم. شما مرا بخشنده می دانید ولی اصلاً حد آن را نمی دانید و از آن صرفاً تصویری مبهم دارید.»

خدا شناسی در عرفان حلقه؛

«انسان نمی تواند عاشق خدا شود، زیرا انسان از هیچ طریقی قادر به فهم او نیست و در حقیقت، خدا عاشق انسان می شود و انسان معشوق می باشد. و معشوق عشق الهی؛ و انسان می تواند فقط عاشق تجلیات الهی، یعنی مظاهر جهان هستی شود.»

شیطان شناسی در عرفان حلقه؛

«ابلیس مَلَكِ جاری کننده قانون تضاد است. او به عنوان کارگزاری که بر اساس طرحی از پیش تعیین شده، مأموریت خود را انجام داده، در گروه «ملائک» جای گرفته است .

پاسخ:

«وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ». کهف، ۵۰.

جمیل بن دراج از امام صادق (علیه السلام) سؤال کرد؛ آیا ابلیس از گروه ملائک و از مأمورین امور آسمان بود؟

حضرت در پاسخ فرمودند: «لم یکن من الملائکة و کانت الملائکة تری إنه منها، و کان الله یعلم أنه لیس منها، و لم

یکن یلی شیئاً من أمر السماء و لاکرامه». تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۸۷

موعود شناسی در عرفان حلقه؛

طاهری در باره ظهور امام زمان میگوید: زمین مگر چه امتیازی داره که حالا بعد از هزاران سال یه نفر مثل زرتشت یا مسیح یا هر کسی! دوباره زنده بشه و بیاد! حالا چه گلی می خواهند بزنند به سرش؟»

پاسخ:

وجود امام:

ما مِنْ مَلَكٍ يَهْبِطُ لَهُ فِي أَمْرِ يَهْبِطُ لَهُ إِلَّا بَدَأَ بِإِمَامٍ فَعَرَضَ ذَلِكَ عَلَيْهِ. / بحار، ج ۲۶، ص ۳۵۷.

بِكُمْ يَنْزِلُ الْغَيْثُ، بَكُمْ يُمَسِّكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا يَأْذَنُ، بَكُمْ يَنْفَسُ الْهَمَّ وَ يَكْشِفُ الضَّرَّ وَ... / زیارت
جامعه کبیره

طاهری در کتاب های خود، بدعت های گوناگونی را وارد بحث امام زمان ع کرده است:

۱- انکار جنگ و نبرد حضرت حجّت (علیه السلام) با دجال

«معرفی نادرست رویداد بزرگ عهد آخر، ترفندی است که با ایجاد این تلقی که خداوند با زور شمشیر یک برگزیده، صلح جهانی را برقرار خواهد کرد، باعث تضاد انسان با پروردگار شده و به دلیل عدم فهم طرح الهی، رواج یافته است.»

پاسخ:

در مورد مسئله جنگ و خونریزی در هنگامه ظهور حضرت، نظریات گوناگونی مطرح شده است :

الف): اهل سنت معتقدند که در زمان ظهور منجی آخر الزمان، حتی به اندازه پر پشه ای خون ریزی نخواهد شد و کل زمین بدون مقاومت و سرکشی تحت تسلط منجی قرار خواهد گرفت.

ب): گروهی بر این باور هستند که امام (علیه السلام) با تمامی گمراهان و ستمگران، بدون محاکمه و اتمام حجت وارد جنگ شده و همه را هلاک خواهد کرد.

ج): امام برای جلوگیری از تلفات و نابودی و خونریزی زیاد، ابتدا اتمام حجت کرده و (علیه السلام) همگان را به سوی خداوند دعوت می نماید. کسانی دعوت وی را لیبیک گفته و در مسیر درست گام بردارند، مورد رحمت قرار گرفته و آندسته از مخالفانی که تمرد کنند شامل این آیه از قرآن کریم می شوند:

«وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ». با آنان بجنگید تا دیگر فتنه‌ای نباشد و دین مخصوص خدا شود. پس اگر دست برداشتند تجاوز جز بر ستمکاران روا نیست. / بقره، ۱۹۳.

۲- خلع قدرت های الهی از حضرت حجت (علیه السلام)

«دجال، بزرگ ترین معلم تاریخ بشریت در باب قدرت خواهی و منجی موعود، بزرگ ترین معلم تاریخ بشریت در باب کمال جویی است.»

«عده بسیاری خواهند گفت که دجال هر روز به ما خبر می دهد که فردا چه می شود و به ما اثبات شده است که حرف هایش درست است. آیا شما (حضرت مهدی (علیه السلام)) هم چنین قدرتی برای عرضه داری؟ او قدرت تصرف دارد، آیا شما هم این قدرت را داری؟»

پاسخ اول:

بهرمندی از نیروهای غیبی: در روایتی از امام صادق (علیه السلام) آمده است :

«قائم پس از پیروزی بر اهل مکه، سه مرتبه متوالی، والی و حاکم تعیین می کند و مکیان دو نفر از والیان را می کشند و چون اصلاح نمی شوند، در مرتبه سوم، هر چند که آن ها نافرمانی کرده اند، اما ایشان خود به جنگ نمی روند و دسته ای از جن و نقبا را به سوی آنان می فرستند و می فرمایند: از آن ها کسی را باقی نگذارید مگر آن هایی که ایمان بیاورند، اگر نبود رحمت خدا که همه چیز را فرا گرفته است و من آن رحمتم، البته همراه شما برای نابودی آن ها می آمدم اما شما بروید...»./ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۶، باب ۲۷، ح ۲۰۲.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: عدد انصار قائم از ملائکه چهل و شش هزار خواهد بود./ همان، ج ۵۳، ص ۱۱، باب ۲۵، ح ۱.

پاسخ دوم:

بهرمندی از ابزار معجزه آسا: از محمد بن فیض از حضرت محمد بن علی باقر العلوم (علیه السلام) نقل شده است :

«عصای موسی از آدم بود و بعد به دست شعیب رسید و سرانجام به دست موسی بن عمران و اکنون در دست ماست و الان در دست من است. و آن عصا همانند روزی است که از درخت سبز بریده شده است و به راستی آن عصا هر گاه استنطاق شود سخن می گوید. این عصا برای قائم ما آماده شده تا همچون موسی بن عمران آنرا به کار برد و این عصا (اهل باطل را) می ترساند و هر چه بیاندازند می بلعد و همان کاری را انجام می دهد که فرمان داده شده است و هر جا رو کند می بلعد آنچه را که به طرفش بیاندازند، دو لب باز می کند (در بعضی از نسخه ها وارد شده به دو شعبه می شود) که یکی روی زمین و دیگری تا سقف است که بین آن دو لب (یا دو شعبه) چهل ذراع است و هر چه به طرفش بیاندازند بازانش می بلعد»./ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۸، حدیث ۱۹.

پاسخ سوم:

رفع موانع و مشکلات: امام صادق(علیه السلام) فرمودند: «همانا زمانی که کارها به صاحب این امر منتهی شود، خدای تبارک و تعالی برای او هر پستی را بلند و هر بلندی را پست خواهد کرد تا این که دنیا نزد او، مانند کف دستش خواهد بود، کدام یک از شما اگر مویی در کف دستش باشد آن را نمی بینید.» / بحارالانوار، ص ۳۲۸، باب ۲۷، ح ۴۶.

۳- نفی علائم ظهور؛

طاهری در کتاب خود آورده است: برای مثال، اگر ما به دنبال نشانه هایی در چهره امام عصر، شمشیر آن حضرت و... باشیم، یا حتی فقط وقوع نشانه های محیطی و خارجی زمان ظهور را ملاک قرار دهیم و به درستی، هدف ظهور را ندانیم، با برخورد با نشانه های مشابه و یا بازسازی این علائم از سوی شبکه منفی (شیطان) به راحتی فریب خواهیم خورد... از این رو، شناسایی صحیح موعود، با ارزیابی اندیشه و توانمندی های ادراکی او امکان پذیر است؛ نه با ملاک قدرت نمایی یا برخی مشخصات ظاهری.»

پاسخ:

*تمامی پیشگویی های روایی، پیرامون وقایع دوران غیبت به دو دسته تقسیم می گردند :

الف): روایاتی که جزء علائم ظهور هستند.

ب): روایاتی که جزء علائم ظهور نبوده و در گروه حوادثی هستند که در طول غیبت اتفاق خواهد افتاد و هیچ ارتباطی با ظهور ندارند .

اما آن دسته از روایاتی که جزء علائم ظهور می باشند، خود نیز به دو گروه تقسیم گردیده اند :

الف): علایمی که نزدیکی ظهور را بیان می کنند .

ب): علایمی که بیانگر هنگامه ظهور بوده و وقایع آن را مورد بررسی قرار می دهد.

در این میان؛ بعضی از چیزهایی که اطلاق علامت بر آن ها شده است نیز بر دو قسم است:

الف): علایم حتمی الوقوع؛ یعنی نشانه هایی که در صورت تحقق شاهد ظهور خواهیم بود.

ب): علایم غیر حتمی الوقوع؛ به این معنا که در صورت مشاهده این نشانه ها، شاهد ظهور نخواهیم بود.

این ترتیب و دسته بندی، حاکی از نظامند بوده علایم ظهور بوده و ائمه معصومین (علیهم السلام) تشخیص نشانه های ظهور را در چند شاخصه ظاهری و قابل جعل منحصر نکرده اند .

نشانه هایی همچون؛ «طلوع خورشید از مغرب، زلزله ای که بسیاری از اهل زمین را می بلعد، ندای آسمانی ظهور، راکد ماندن خورشید از ظهر تا اواسط عصر و...» که همگی حتمی الوقوع بوده و به هیچ عنوان برای مردم مشتبه

نخواهند شد. /بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۹، باب ۲۵، ح ۸۲.

توسل شناسی در عرفان حلقه؛

زیارت قبور ائمه (علیهم السلام)، کمک خواستن از مرده ها، ساختن برج و باروها (حرم)؛ مصداق شرک است .

بین انسان و خدا، تنها واسطه ای که وجود دارد، هوشمندی و شعور الهی است. / عرفان کیهانی ص ۱۲۰

این دیدگاه با جمله «فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ» در سوره فصلت، مورد تقویت قرار گرفته و آن را به نادرست بودن توسل به اولیاء الهی و حضرات معصومین (علیهم السلام) تفسیر نموده اند .

در عرفان حلقه، عوامل انسانی، کلیه خصوصیات فردی، شرایط جغرافیایی و اقلیمی، امکانات و توان های فردی و... نقشی در ایجاد اتصال و دریافت های ماورایی ندارد. البته واسطه گری شبکه شعور کیهانی بین خدا و انسان مسئله ای مورد پذیرش در این شاخه عرفانی می باشد.

پاسخ:

«قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ وَوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ». فصلت، آیه ۶.

در دیدگاه عرفان حلقه، مشرک کسی است که به طور مستقیم به خدا رجوع نکرده و اشخاصی همچون ائمه معصومین را واسطه قرار دهد .

البته با دقت نظر در تفاسیر معتبر شیعی، آنچه از ذیل آیه مذکور به دست می آید، مستقیم شدن در مسیر خداوند متعال (به معنای رسیدن به توحید) می باشد. و توسل به پیامبران خدا و معصومین نه تنها دخالتی در مسئله توحید ندارد، بلکه انسان را نسبت به شنا (علیهم السلام) خت ذات اقدس الهی ترغیب کرده و راهنمایی می نماید. این آیه در مقام بیان این مطلب است که؛ «حال که به جز یک اله بی شریک وجود ندارد، پس به توحید او قیام کنید، و شرکا را از او نفی نمایید و از او نسبت به شرک و گناهایی که تاکنون مرتکب شده‌اید طلب مغفرت نمایید». ترجمه المیزان، ج ۱۷، ص ۵۴۸.

توسل در قرآن:

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) در ذیل آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» مائده، ۳۵. می فرماید: «الْأُمَّةُ مِنْ وَوَلَدِ الْحُسَيْنِ مَنْ أَطَاعَهُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ عَصَاهُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ هُمْ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَ هُمْ الْوَسِيلَةُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ». / عیون أخبار الرضا «ع»، ج ۲، ص ۵۸.

(واژه «وسيله» به معنای رساندن خود به چیزی با رغبت و میل است و این کلمه از نظر معنا خصوصی تر از کلمه «وصيله» می باشد، زیرا در وصيله هیچ رغبت و میلی از سوی متمسک وجود ندارد و بیش از رساندن به چیزی دلالت ندارد). / مفردات ألفاظ القرآن، راغب اصفهانی، دار القلم، ص ۸۷۱.

معنویت های روانشناختی

تفکر نوین

الهیات نوین از سال ۱۶۰۰ و همزمان با دوران مدرنیته آغاز شد.

اهداف: اصلاح کلیسا- تغییر نگرش های روانی- اصلاح نگاه های کیهان شناختی.

تفکر نوین در سال ۱۸۰۰ آغاز گردید.

هدف تفکر نوین: دوری از شهودات باطنی

تعالیم تفکر نوین

۱- حضور در همه جا در آن واحد

۲- مثبت اندیشی اندیشیدن به «جنگ با دشمنان، تنفر از ظالمان و...» انرژی های منفی در هستی پخش کرده و اثرات منفی خواهد نداشت.

۳- هیپنوتیزم

۴- روح القدس

۵- تکامل انسان

۶- عصر جدید: رسیدن به سه عنصر «عشق، صلح و آرامش».

۷- شعور برتر: نیرویی که مدیریت جهان را به عهده گرفته است

۸- موفقیت

۹- قانون جذب

قانون جذب عبارت است از: «هر آنچه در ذهن انسان، اعم از خوب و بد، زشت و زیبا تصور شود، در دنیای واقعی نمود خواهد یافت. سرعت به واقعیت پیوستن این تصویر ذهنی، به شدت تمرکز و وضوح تصویر آن موضوع در ذهن بستگی دارد.»

بطور کلی می توان گفت که روند قانون جذب از سه مرحله تشکیل می شود:

الف) تجسم: انسان باید برای تجسم، از ذهن خود استفاده کند. مجسم کردن خواسته در ذهن، فرد را به حالتی وارد می کند که از داشتن آن حالت لذت می برد، بطوری که فرد تصور می کند که خواسته اش را دریافت کرده است.

ب) احساس: فرد باید همراه با تجسم، دارای احساس فوق العاده‌ای در مورد خواسته اش باشد، بدین ترتیب وقتی انسان فرکانس ارتعاشی ایجاد می کند، خواسته خود را مانند آهن ربا جذب می نماید.

ج) دریافت: نتیجه تجسم و احساس، دریافت خواسته های انسان از طریق نیروی طبیعی است که در این مرحله، فرد به خواسته هایش خواهد رسید.

بهشت نقد در این دنیا»

بطور خلاصه، آنچه به واسطه قانون جذب برای انسان به ارمغان آورده می شود، رسیدن به بهشت دنیوی و سعادت اینجهانی می باشد .

بنیانگذار تکنولوژی فکر در ایران بر این باور است که: «تکنولوژی فکر سیستم علمی و جدیدی است که انسان از طریق آن به دنیای مطلوب خود می رسد و دریچه ای به سوی بهشت بر خود می گشاید. این بهشت که جلوه ای از بهشت موعود است، در این دنیا واقع شده و همه زیبایی های آن حاصل اندیشه های درستی است که این تکنولوژی برای او پدید می آورد.